

## اطلاعیه مشترک

### تأمین واکسن کرونا و ارائه رایگان آن،

### خواست فوری طبقه کارگر است!

قربانیان ویروس کرونا در ایران هر روز بیشتر می‌شوند و بی‌مسئولیتی رژیم جمهوری اسلامی آشکارتر و توده‌های مردم به ستوه آمده‌تر!

هنوز هیچ نشانه‌ای از تلاش جدی و برنامه‌ریزی دست اندرکاران رژیم برای مقابله با گسترش شیوع این ویروس و کنترل آن وجود ندارد. بر اساس آمار رسمی وزارت بهداشت که تنها انعکاس بخشی از واقعیت است، شمار جانباختگان این بیماری در ایران به بیش از «پنجاه و سه هزار نفر» رسیده است و بیش از «یک میلیون نفر» نیز به کرونا مبتلا شده‌اند و به رغم تلاش خستگی‌ناپذیر و جانفشانی‌های کادر پزشکی و پرستاران اوضاع بسیار فاجعه‌بار است.

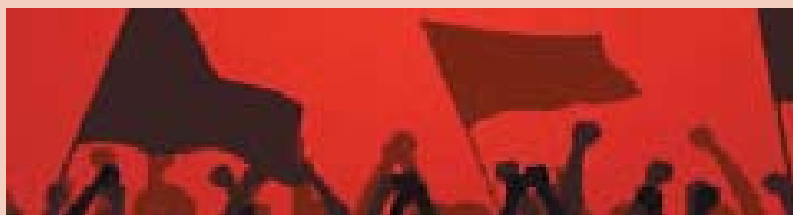
سران رژیم از همان ابتدا به پنهان‌کاری عامدانه در مورد حقایق مربوط به زمان انتقال این ویروس و ابعاد شیوع آن پرداختند و این بی‌مسئولیتی را در طی یک سالی که این ویروس گسترش پیدا کرده، همچنان ادامه داده‌اند.

دست اندرکاران رژیم به ملزومات پیشگیری از قبیل آزمایش گسترده از افراد برای جلوگیری از گسترش کووید ۱۹، جداسازی‌های آنهایی که علائم ابتلاء به ویروس را نشان می‌دهند، ردیابی تماس و قرنطینه‌سازی کسانی که در تماس نزدیک با فرد مبتلا بوده‌اند و بستری کردن افراد نیازمند مراقبت‌های ویژه، فراهم کردن ملزومات و تعطیلی مدارس و کارخانه‌ها و مؤسسات صنعتی و خدماتی که در آنها چرخه تولید جنبه حیاتی ندارد، قرنطینه شهرها و مراکز عمومی؛ رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی و تأمین ملزومات آن از قبیل تهیه ماسک و مواد ضدعفونی‌کننده رایگان برای عموم بی‌توجه بوده‌اند.

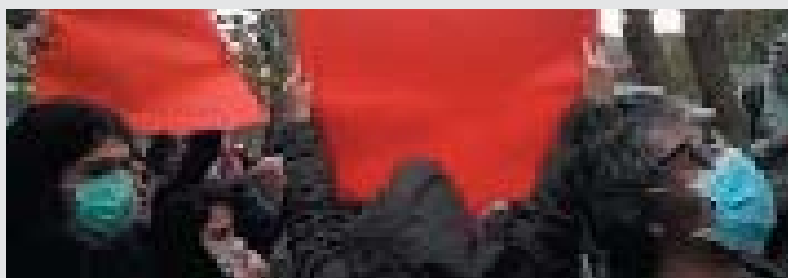
## سیمای جهان در آغاز دهه سوم هزاره سوم!



## مروری بر سال گذشته میلادی



## از هفت تپه تا همایش تهران



## جنبش دانشجویی، متحد جنبش کارگری!



## جهان امروز

## نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یک بار منتشر می شود!

سر دبیر: هلمت احمدیان

زیر نظر هیئت تحریریه

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

halmatean@hotmail.com

\* جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می کند.

\* استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.

\* مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.

\* جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می رسد.

\* مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ ۴ با سایز ۱۲ است.



اگر کشورهایی که این موارد را رعایت و عملی کردند، تا حدود زیادی شیوع ویروس کرونا را به کنترل درآوردند، اما در ایران تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، این موارد به دلیل نداشتن یک سیاست روشن در

مقابله با بحران کرونا، زیر ساخت ضعیف بهداشتی و درمانی توأم با فساد نهادینه شده در ارگان ها و نهادهای حکومتی، ضعف مدیریت و وجود مراکز مختلف تصمیم گیری، دست به دست هم داده و بحران کرونا را به فاجعه ای هولناک تبدیل کرده است. اگر در بسیاری از کشورها و بویژه در اروپا در مورد تولید واکسن و میزان مؤثر بودن آن، در مورد خرید و رزرو واکسن و مرحله بندی کردن واکسیناسیون شهروندان خبر رسانی می شود و این کار آغاز شده است، در ایران مقامات حکومتی در این مورد هم به تناقض گویی و دروغ پردازی روی آورده اند و به بهانه های مختلف از جمله به امکان یا عدم امکان انتقال ارز برای خرید واکسن به خاطر تحریم ها و... از ضرورت تامین این واکسن طفره می روند. این در حالی است که رئیس اتحادیه واردکنندگان داروی ایران می گوید برای انتقال ارز به خارج و واردات دارو و اقلام پزشکی هیچ مشکلی وجود ندارد. این تناقض گویی ها و تعلل آشکار در خرید واکسن نشانه آن است که دولت تاکنون برای تهیه این واکسن نه تصمیمی گرفته و نه بودجه ای اختصاص داده است.

## سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۲۷ آذر ۱۳۹۹ - ۱۸ دسامبر ۲۰۲۰

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت



## آدرس های حزب کمونیست ایران و کومه له

نماینده گی کومه له در خارج کشور

K.K. P.O.Box75026  
750 26 Uppsala - Sweden  
Fax: 004686030981  
representation@komalah.org  
Tel: 0046 8 6030981

کمیته خارج کشور

0046-707 254 016  
kkh@cpiran.org

دبیرخانه حزب کمونیست ایران

C.D.C.R.I. Box 2018  
127 02 Skärholmen  
SWEDEN

dabirxane.cpi@gmail.com

تماس با  
کمیته تشکیلات دلال کشور  
حزب کمونیست ایران

hvefaalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

۰۰۹۶۴۷۷۰۰۶۰۳۶۵۳  
۰۰۴۳۶۶۰۱۱۹۵۹۰۷  
۰۰۴۶۷۳۷۱۵۴۴۱۸  
۰۰۴۶۷۳۶۸۷۳۰۱۴

تماس با کمیته تشکیلات  
دلال کومه له (تکلیف)

takesh.komalah@gmail.com

نصرت تیمورزاده



## سیمای جهان در آغاز دهه سوم هزاره سوم!

های عظیم برداشتند. سرمایه داری نه تنها به مثابه یک سیستم اقتصادی اعلام ورشکستگی نمود، بلکه از منظر ایدئولوژیک - سیاسی نیز جوهر ارتجاعی خود را به نمایش گذاشت. وقتی که در قدرت مندترین کشور سرمایه داری جهان بیش از یک میلیون و هفتصد هزار نفر در عرض چند ماه کار خود را از دست دادند، وقتی که میلیون ها انسان ناشی از فشار بهره بانکی خانه‌های مسکونی خود را به اجبار تخلیه کرده و به خیابان‌ها پرتاب شده و یا با آخرین سنت های موجود خود در کنار رودخانه چادر زده و یا به اصطلاح در خانه های بدون سقف زندگی را می گذرانند، زمانی که بیش از هفتاد میلیون کارگر سیار در چین بیکار شدند، زمانی که بیش از سی میلیون کارگر صنعتی در کشورهای اروپایی کار خود را از دست دادند و همزمان هزاران میلیارد دلار به پیکر بیمار بانک ها، مؤسسات مالی و خدماتی و کمپانی های اتومبیل سازی تزریق شد، سیستم بربریت سرمایه داری بخشی از آخرین تیرهای ترکش خود را به شقیقه اخلاق خویش شلیک نمود. آنهایی که با هزاران ترفند در گوش مردم جهان می خواندند که "بازار خود قادر به تنظیم روابط خویش است" اکنون بیش‌رمانه خواهان دخالت دولت ها در "تنظیم روابط بازارها" گشتند. آنهایی که در گوشه و کنار جهان بازارهای بورس به راه انداخته و میلیاردها دلار در یک چشم به هم زدن از طریق رد و بدل اوراق بورس به جیب زده و شب ها با خیال راحت به خواب می رفتند، اکنون فریاد برمی آوردند که بانک‌ها و بازار بورس را باید کنترل کرد. آن غول مالی را که از شیشه بیرون آورده بودند و تمام مرزهای جغرافیایی را برای جولانش بدون برج و بارو نهاده بودند، انبوهی از خرابی ها را بر جای گذاشتند. مضحک اینکه کسانی که بحران آفریده بودند اکنون باید مدیریت مهار بحران را عهده دار می شدند. گرگ را به پاسداری گله گوسفندان برگماردند. دولت های سرمایه‌داری در نشست و برخاست های اضطراری میلیاردها دلار جهت مهار بحران اختصاص داده و به جیب بانک ها، مؤسسات تولیدی و کمپانی های عظیم سرازیر کرده و پس آنگاه فریاد شوق برآوردند که که بحران را مهار کرده اند. این فریب اما زمانی که دولت ها با بحران عظیم مالی روبرو گشتند، رنگ

میدان جنگ های رقابتی، میدان تاخت و تاز قدرت های منطقه ای نظیر جمهوری اسلامی، ترکیه و دولتی که چیزی جز جنگ و جدال فرقه های قومی و مذهبی نیست و مردمی که اعتراضاتشان چه در شهرهای تحت حاکمیت این دولت و چه آنجائیکه به نام دولت اقلیم دو حزب فاسد فرمان می رانند، با گلوله پاسخ می گیرد.

آنچه که در سال ۲۰۰۸ در گرجستان به نام دفاع از تمامیت ارضی از جانبی و دفاع از حق تعیین سرنوشت از جانب دیگر صورت گرفت، در واقع و در جوهر خود امری جز تقسیم مجدد جهان نبود. بلندگوهای تبلیغاتی رقبا به کار افتاده بودند. طراحان انقلاب مخملی صورتی در گرجستان در حمایت از "ساکاشویلی" رئیس جمهور گرجستان صف کشیدند و روسیه امپریالیستی نیز به جمع آوری متحدین خویش پرداخت. بمباران تبلیغاتی طرفین می بایست خاک بر چشم مردم دنیا پاشیده و ماهیت واقعی این جنگ را در پرده نگه دارد. به زعم "ساکاشویلی" و متحدین اش استقلال و تمامیت ارضی گرجستان خدشه دار شده بود و طبیعتا وجدان "جامعه جهانی" از نقض قوانین بین المللی متأثر گردیده بود. روسیه امپریالیستی هم در به اصطلاح دفاع از حق تعیین سرنوشت مردم اوستینای جنوبی گریبان می درید. هر دو طرف گویا بر این تصور بودند که مردم تکه پاره شدن یوگسلاوی، اشغال افغانستان و عراق و سرکوب خونین مردم "چچن" را از حافظه هایشان دور ساخته اند و بیش از همه این تبلیغات می بایستی به واقعیت تدارک چندین ساله این جنگ و جوهر آن که تشدید تضاد مابین امپریالیست ها و تقسیم مجدد جهان بعد از فرو پاشی بلوک شرق بود، پرده افکند. جنگ روسیه و گرجستان بیش از همه اعلام ورود روسیه بعد از یک دوره فترت به مناقشات جهانی بود که بعد ها خود را در جنگ های نیابتی بویژه در سوریه و لیبی و اوکراین بیش از همه نمایان ساخت.

همزمان اما بحران جهان سرمایه داری با تمام نیروی تخریبی اش همه مرزها را درنوردید. شبیحی دهشتناک سرتا سرپهنه گیتی را در خود فرو برد. شبیحی که از خویشستن خویش یک نظم واژگونه سر برآورده و تمام برج و باروی قلعه‌هایی که فتح ناشدنی می نمودند، ترک

در آستانه ورود به دهه سوم هزاره سوم قرار گرفته ایم. تمام خوش باوری هائی که در آغاز هزاره سوم از جانب دولت های سرمایه داری، ایدئولوگ های بورژوازی و مدیای بستر اصلی می پراکنند، اکنون با فروریختن توهم ایجاد شده بر آن خوش باوری ها در سرتاسر جهان رنگ باخته است. این کارنامه اکنون مقابل چشم ماست. آنانی که با یاری گرفتن از تلاشی بلوک شرق و بلعیده شدن بخشی از آنان در نظم سرمایه‌داری غرب، انانی که سلطه نظم نئولیبرالی حاکم بر جهان سرمایه داری و نظام تک قطبی جهان را به مثابه پایان تاریخ و آغاز به واقعیت پیوستن به اصطلاح رؤیاهای دست نیافتنی جنگ سرد و رشد اقتصادی را در بوق و کرنا می دمیدند، اکنون آشکارا می بینند که آثار چندانی از آن خوش باوری ها باقی نمانده است. اشغال افغانستان، تهاجم به عراق، جنگ خونین روسیه و گرجستان، وحشیانه ترین و جنایت بارترین جنگ های رقابتی و مذهبی در خاورمیانه و تعدادی از کشورهای آفریقائی، جنگ اوکراین و بالاخره همین هفته های گذشته جنگ بین جمهوری های آذربایجان و ارمنستان بخشی از رویدادهای نظامی گسترده و طولانی در همین دو دهه بوده است و دیدیم که همه اینها به بهانه های مختلف پیش برده شده اند. در سال ۲۰۰۱ در افغانستان به تلافی حمله به برج های دو قلو در ایالات متحده آمریکا و به بهانه مبارزه با تروریسم و به نام صدور دمکراسی و آزادی زن، جنگی به راه افتاد که بعد از قربانی شدن میلیونی مردم افغانستان آنچه که در لحظه کنونی از آن بجا مانده است، نه دمکراسی، نه آزادی زن، بلکه قرارداد صلح با جنایتکاران جهادی طالبان و آماده کردن همه شرایط برای حاکمیت مجدد آنان است.

در سال ۲۰۰۳ در عراق به بهانه سلاح های کشتار جمعی که هیچ زمانی اثری هم از آنها پیدا نشد، باید تمام شیرازه جامعه از هم می پاشید، صدها هزار کودک در نبود دارو جان می باختند، صدها هزار تن از مردم کشته می شدند تا به اصطلاح نظم نوین در خاورمیانه شکل گیرد. و البته همه اینها زمینه را برای عروج داعش به مثابه یک جریان به غایت ارتجاعی، ضدانسانی و وحشی فراهم ساخت. در واقع عروج آنان یک پاسخ ارتجاعی به نظم نوین امپریالیستی در خاورمیانه بود. عراق اکنون

باخته و آنوقت معلوم شد که بحران را به جای دیگری انتقال داده اند.

اگر چه در همان ماه های اول کشورهای کوچک نظیر لیتوانی، ایسلند، رومانی، پاکستان... با ورشکستگی کامل روبرو گشتند، ولی سر بر آوردن بحران دولتی در یونان به مثابه کوه آتشفشان دهان باز کرده و معلوم شد که در جریان مهار بحران مالی جهانی، تمام دول قدرتمند سرمایه داری با کوهی از قروض مالی مواجه اند. آنوقت کودن ترین ذهن هم درک کرد که بحران جهانی مهار نگردیده، بلکه به جای دیگری یعنی دولت ها انتقال داده شده است. از این رو طرح "صرفه جوئی مالی" در دستور کار دولت ها قرار گرفت. این صرفه جوئی غیر از هجوم به زندگی و معیشت اقشار تحتانی جامعه نبوده و اکنون باید بار بحران را کسانی به دوش می گرفتند که نه تنها نقشی در ایجاد بحران نداشتند، که خود قربانی بلافصل بحران جاری بودند. از منجمد ساختن مزد و حقوق کارکنان دولت تا کاهش آن در برخی از کشورها نظیر رومانی تا بیست درصد برای چند سال پیاپی تا افزایش مالیات بر کالاهای مصرفی، از باز گذاشتن دست کارفرمایان برای بیکار سازی تا افزایش سن بازنشستگی، از کاهش خدمات دولتی تا متوقف ساختن طرح های مربوط به تعمیرات مدارس، بیمارستان ها و احداث منازل ارزان قیمت برای اقشار پائینی جامعه تنها نمونه هایی از طرح ریاضت اقتصادی بودند که دولت ها در پیش گرفتند. در اروپا بیش از همه حلقه های ضعیف در جنوب اروپا بودند که با وحشیانه ترین هجوم بحران روبرو شدند. دولت های قدرتمند اروپایی به بهانه کمک مالی به یونان بانک های خود را نجات دادند. "زود دویچه سیتونگ" معتبرترین روزنامه آلمان در همان زمان نوشت که "اگر دولت یونان قادر به باز پرداخت بدهی های خود نباشد در این صورت نه تنها بانک های آلمانی با خطر جدی روبرو خواهند شد، بلکه فراتر از آن این امر می تواند یک سری عکس العمل های زنجیره ای را باعث گردد که با وقایع موجود در یونان آغاز شده و به دنبال آن به پرتقال و اسپانیا کشیده شده و در انتها تمام کشورهای عضو واحد پولی یورو را در بر بگیرد.

پی آمد این وضعیت نقش قدرتمند واحد پولی یورو در سطح جهانی را به خطر انداخته و قدرت رقابتی آن با دلار از بین خواهد رفت "دولت های قدرتمند اروپایی با تصویب وام به یونان تحت رهبری بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و بانک مرکزی اروپا هم بانک های خود را از اوراق قرضه دولت یونان پاکسازی

کردند و هم وامی را که با بهره یک و سه دهم در صد از بانک مرکزی اروپا گرفته بودند، با بهره هفت در صد در اختیار دولت یونان قرار دادند و دولت یونان باید گردن به طرح "ریاضت اقتصادی" می گذاشت. طرحی که بی سابقه ترین هجومی بود که در تاریخ یونان به میلیون ها تن از کارگران و حقوق بگیران انجام می گرفت. این هجوم وحشیانه دولت یونان به میلیون ها تن از مردم بی جواب نماند. بیش از سی و هشت اعتصاب سرتاسری، ایجاد کمیته های محلات و کمیته امداد برای کمک به آنهائی که به معنای واقعی کلمه به قعر جامعه پرتاب شده بودند، بیان دوره جدیدی بود که در یونان آغاز گشته و بالاخره با سقوط دولت محافظه کار یونان، تشکیل دولت توسط جبهه چپ گرای "سیرزا" و سپس تسلیم "سیرزا" به سیاست های اتحادیه اروپا، سقوط آن و قدرت گیری مجدد دولت محافظه کار سرنوشت این دوره از جدال ها در یونان رقم خورد.

تحمیل ریاضت های اقتصادی با موجی از اعتصابات و اعتراضات در سرتا سر جهان روبرو گشت: کشمیر، جمهوری دومینیکن، اندونزی، روسیه، فرانسه، پرتقال، آرژانتین، ایرلند، انگلستان، فنلاند، بنگلادش، پاناما، قزاقستان، مکزیک، برزیل، ایتالیا، هندوستان، مراکش، استرالیا، آلمان، ترکیه، بلژیک و... صحنه اعتصابات و اعتراضات مزد و حقوق بگیران بود، فارغ از اینکه هر کدام از این مبارزات با چه مطالبه ای به خپایان آمده بودند، آنچه که همه این معترضین در آن مشترک بودند این که نظم حاکم عادلانه نیست.

اگر بحران جهان سرمایه داری، تبعات آن و اعتراضات در بسیاری از کشورها جهان سیمای سال های دو هزار و هشت تا دو هزار و ده را رقم می زد، شورش، اعتراضات و مبارزات انقلابی در شمال آفریقا و خاورمیانه، سقوط تعدادی از دیکتاتورها برجسته ترین شاخص سال دو هزار و یازده است. جوهر تبلیغات دول سرمایه داری و مدیای غرب این بود که گویا انگیزه این شورش ها حاکمیت استبداد سیاسی در این جوامع بوده و اگر این مستبدین، آنطور که رهنمود غرب بود، اندکی رفرم سیاسی انجام می دادند، با این شورش ها روبرو نبوده و می توانستند همچنان در اریکه قدرت باقی بمانند.

فارغ از اینکه این تحلیل جوهر اصلی اعتراضات مردم را در پرده نگه می داشت، در عین حال یک دغل کاری آشکار را نشان می داد و آن که همه بر این واقفند که سران این کشورها میهمانان گرمی و ارزنده ای برای غرب بودند. برای آنها مبارک ضامن ثبات در منطقه بوده و هیچ کنفرانسی در ارتباط با مسایل منطقه و

بویژه مسئله فلسطین برگزار نمی شد، چنانچه مبارک یک پای کنفرانس نباشد. از سال هزار و نه صد و هفتاد و نه میلادی که سادات قرارداد صلح با اسرائیل را امضاء کرد، مصر بیست و هشت میلیارد دلار کمک مالی از آمریکا دریافت کرده و سالانه یک میلیارد و سیصد میلیون دلار کمک نظامی آمریکا به مصر بود.

وزیر خارجه فرانسه سه روز قبل از فرار بن علی رئیس جمهور تونس طرح اعزام نیروهای شورش فرانسوی را برای سرکوب معترضین در پارلمان فرانسه مطرح نمود. قذافی چادرش را در کنار کاخ الیزه برپا می کرد و "برادر خوانده" برلوسکنی رئیس جمهور ایتالیا بود. هیچ دولت اروپایی را نمی توان بر شمرد که فرش قرمز در جلوی پای قذافی پهن نکرده باشد. بازار مشترک اروپا در سال دو هزار و نه میلادی معادل سیصد و هفتاد میلیون ایورو تجهیزات نظامی به لیبی فروخته بود. در سال دو هزار و ده میلادی لیبی به عنوان عضو کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد پذیرفته شد و فرانسه در حال مذاکره برای ساختن رآکتور اتمی با قذافی در لیبی بود. واقعیت اما بیان این امر بود که ریشه شورش ها و اعتراضات و مبارزات انقلابی در جوامع پیرامونی منجمد در شمال آفریقا و خاورمیانه، قبل و بیش از همه ریشه در بحران جهانی نظم سرمایه داری داشت، از آن رو که دول سرمایه داری بخشی از این بحران را به کشورهای پیرامونی انتقال دادند.

این دول برای مهار بحران از مکانیسم های مختلف بهره جستند. در درون جوامع خود میلیاردها به مؤسسات مالی و صنعتی تزریق نمودند و از جانب دیگر طرح های ریاضت اقتصادی را در دستور کار خود قرار دادند. بدیهی بود که در کشورهای پیرامونی به علت فقر عمومی امکان استفاده از این مکانیسم ها نبوده و دامنه فقر عمومی ابعاد هولناکی به خود گرفت. سیستم پارلمانتاریسم بورژوائی در کشورهای امپریالیستی این امکان را فراهم ساخت که بحران سیاسی در برخی از این کشورها، تنها به سقوط احزاب حاکم و جایگزینی آنان با احزاب دیگر پارلمانی و یا برگامردن کارمندان مؤسسات سه گانه - بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و بانک مرکزی اروپا - انجامیده و به بحران سیاسی که سیستم را به چالش بطلبد، فرا نرؤیدند. ولی وجود دیکتاتوری و استبداد سیاسی در کشورهای پیرامونی زمان زیادی احتیاج نداشت که به شورش ها و به بحران سیاسی منجر شده و زیر پای دیکتاتورهای منطقه داغ گردد و بالاخره مبارک و بن علی سقوط کنند. از این

رو به جرأت می توان بیان کرد که

می روند، در مدیای غرب نیروهائی هستند که برای "ارزش های والای اروپا" می جنگند. این را هم "جان مک کین" کاندید آلمان حزب جمهوری خواه آمریکا که یکی از افتخاراتش شرکت در جنگ ویتنام است، در بوق می دمدم و هم سران دول اروپائی، این را هم سران احزاب راست در لهستان و کشورهای بالتیک گفتند و هم جریانات رهبری کننده اعتراضات در کیف. آنچه نتیجه شد سقوط پانوکوویچ توسط جریانات آشکار فاشیستی و بلوک راست، اشغال جزیره کریمه توسط روسیه، جنگ داخلی مابین کیف و شرق اوکراین، بیش از ده هزار قربانی و یک میلیون هفتصد هزار آواره، تسلط سیاسی روسیه بر نیروهای مستقر در شرق اوکراین و خارج ساختن جریانات و نیروهای پیشرو از صحنه در این منطقه، به قدرت رسیدن یک الیگارش جددید در اوکراین و بالاخره تحریم اقتصادی روسیه در شش سال گذشته بود.

اگر سال دو هزار و شانزده میلادی فراندم بریتانیا و به قدرت رسیدن حریانات راسیستی و دست راستی در برخی از کشورهای اروپائی و عروج احزاب راسیستی و نئو فاشیستی در تعدادی از کشورها و به زیر سؤال رفتن مشروعیت اتحادیه اروپا بود، در آنسوی آتلانتیک پیروزی ترامپ به مثابه یک راسیست و سکسیست و یک سوسیال شوونیست تمام عیار، به تمام معنی نظم مسلط بر جهان سرمایه داری غرب را به چالش کشید. او نماینده میلیتاریسم امپریالیست آمریکا بود زمانی که او گفت وقتی سلاح هسته ای داریم چرا از آن استفاده نکنیم. او نماینده و مدافع سر سخت انحصاراتی بود که پیشیزی ارزش برای انهدام زیست بوم جهان قائل نبودند. او مطبوعات را تهدید کرد که یا باید از او دفاع کنند و یا مورد حمله طرفداران او قرار خواهند گرفت. او با شعار "بازگشت به آمریکای بزرگ" و یا "آمریکا اول" در درجه اول حملات و حشیانه ای را بر علیه سیاه پوستان، علیه لاتینوها، علیه حقوق دمکراتیک مردم، علیه همجنسگرایان و علیه زنان سازمان داد.

آن نیروهائی که ترامپ را برشانه های خود روانه کاخ سفید کردند، بیان راسیسم، ناسیونال شوونیسم، سکسیسم و فاشیسم موجود در آمریکا بود. این ویژگی ها همه متعلق به دورن تاریک قرن گذشته بودند که اکنون یک بار دیگر نه تنها در آمریکا که در اروپا، آسیا و آمریکای جنوبی هم سربر آورده بودند. هر چند که در هر کشوری مهر ویژگی های آن کشور را خورده است. این ویژگی ها نباید پرده ساتری بر جوهر یکسان آنان باشد. فاشیسم و راسیسم ترامپ، با فاشیسم و راسیسم "جبهه ملی فرانسه،



قربانی شدن و آواره گشتن میلیونی است. و این پرسش همچنان در جلوی صحنه باقی ماند که در غیاب یک جنبش کارگری نیرومند، در غیاب شکل هائی که از دل مبارزات مردم بیرون آمده باشند و در غیاب یک حزب رهبری کننده با افق فرا روی از نظم سرمایه دارانه چگونه همه شجاعت ها و همه جانفشانی های مردم می تواند قربانی منازعات و جنگ و جدال قدرت های امپریالیستی و منطقه ای و جریانات به غایت ارتجاعی مذهبی و تروریستی گردد.

آنچه که در دو هزار چهارده میلادی در اوکراین رخ داد قبل از هر چیز عمیق ترین رویا روئی قدرت های باقیمانده از جنگ سرد و در شرایطی بود که ناتو خود را به دروازه های روسیه رسانده و روسیه بعد از دوره ای رخوت مجددا به صحنه منازعات بین المللی قدم گذارده بود. وضعیت نابسامان اقتصادی، استثمار شدید، فساد گسترده دستگاه دولتی و صاحبان سرمایه مؤلفه هائی بودند که خشم عمیق کارگران و مردم معترض و آمادگی آنان را برای خیزش فراهم آورده بود. این خشم اما در غیاب آگاهی طبقاتی و عدم وجود تشکلات رادیکال کارگری و کمونیستی از سوئی دستمایه ای برای سوءاستفاده بورژوازی اوکراین و الیگارش نوین گشت تا علیه یکدیگر دست به توطئه بزنند و به خاطر منافع سیاسی و اقتصادی خود گاهی به دامان بورژوازی غرب و گاهی به دامان بورژوازی روسیه پناه ببرند. و درست بر همین زمینه بود که دولت های غربی قادر شدند با بهانه قرار دادن ابزار زنگ زده دمکراسی دخالت خود را توجیه کنند. صد البته چنانچه این مقولات در چهارچوب منافع سیاسی-اقتصادی غرب قرار گیرد، در این صورت هر جریان فاشیستی، دمکرات می شود و هر جریان مترقی سرکوب می گردد. درگیری مسلحانه نیروهای فاشیستی با نیروهای انتظامی دولتی یک "جنبش اعتراضی مسالمت آمیز" می شود، ولی حمله معترضین طرفدار روسیه به ساختمان شهرداری خارکف "عمل جنایتکارانه" به حساب می آید. "انقلاب میدان" یک جنبش ارتجاعی تحت رهبری نیروهای دست راستی و میلیشای فاشیستی که تاحد کودتا و حمله به اهالی روسی در مناطق شرق اوکراین پیش

انگیزه بنیادین اعتراضات، شورش ها و مبارزات انقلابی در شمال آفریقا و خاورمیانه، دو مؤلفه اساسی یعنی نان و آزادی را در خود داشت. در تونس بیش از همه این جوانان بی آینده بودند که اکثریت جامعه را تشکیل داده و بی آیندگی آنان را به بشکه باروتی تبدیل کرده بود که منتظر یک جرقه بودند و این جرقه را کشته شدن محمد بوعزیزی یک جوان تحصیل کرده در انبار باروت انداخت. گریز سریع بن علی قبل از اینکه ساختار نظام حاکم مورد هجوم قرار گیرد، فرصت را جهت تعمیق انقلاب محدود ساخت.

تصاویری که در روزهای اول شورش در لیبی در مدیا ظاهر شدند، تصاویری بودند که هر انقلابی در روزهای اول از خود نشان می دهد، انقلابی که دارد نطفه هایش را می بندد و هنوز سیاستمداران حرفه ای، اپوزیسیون های ساختگی و نیروهای امپریالیستی وارد صحنه نشده اند. بی جهت نبود که گزارشات اولیه به خصوص از غرب لیبی حکایت از آن داشتند که مردم خود را سازمان داده و قدرت دولتی عملا از صحنه خارج شده و مردمی که خود را مسلح کرده و خود رهبری این ارتش توده ای را در اختیار گرفتند. در این شورش شکل گرفته، طبقات مختلف با منافع گوناگون شرکت داشتند، آنچه این طبقات با منافع گوناگون را متحد ساخته بود مبارزه علیه قذافی بود و همین الیته پاشنه آشیل مبارزه بود و درست از همین پاشنه آشیل هم مورد هجوم قرار گرفته و به میدان جنگ و جدال نیروهای امپریالیستی و قدرت های منطقه تبدیل شد.

اینکه شورش مردم در مصر و تونس به مبارزه مسلحانه نمی انجامد، در این عامل نهفته است که ارتش در آن دو کشور آنگونه وحشیانه به صفوف مردم هجوم نبرده و خود را در محدوده خلع قدرت از مبارک و بن علی نگه داشته و قول انتخابات "آزاد" را داد. در یمن، بحرین و سوریه نیز آن امری که همه را متحد کرده بود مبارزه علیه یک رژیم فاسد و مستبد بوده و به نوعی فاقد یک خصلت طبقاتی روشن بود. اگر در یمن و بحرین تانک های فروخته شده دول غربی به عربستان به وسط صحنه آمدند، در سوریه انواع دستجات فوق ارتجاعی، جهادی و تروریستی و بالاخره دخالت نیروهای ائتلاف تحت رهبری آمریکا و پشتیبانی بیدریغ روسیه و جمهوری اسلامی از اسد، مردم را از صحنه خارج ساختند و بدین گونه لیبی، سوریه و یمن بعد از گذشت ده سال همچنان میدان جنگ میان همه آنهائی هستند که ربطی به مطالبات مردم معترض ندارند و آنچه در همه این کشورها نصیب میلیون ها تن از مردم گردیده است،

حزب آزادی هلند، حزب آترناتیو برای آلمان" تفاوت دارد همچنانکه ترامپ با بولسونارو در برزیل و مودی در هند، ولی با وجود این، همه آنها در یک اركستر واحد می نوازند. همه آنها خواهان جایگزین نظم دمکرات لیبرالی بورژوازی بعد از پایان جنگ با یک نظم بیگانه ستیر، ضد مهاجر، ضد زن بوده و هارترین هجوم سرمایه به همه ارزش هائی است که کمونیست ها، نیروهای آزادیخواه و مترقی برای یک دوره طولانی جهت حفظ آن جنگیده اند. ترامپ در خارج از آمریکا تمام مقررات و کنوانسیونها یی که مناسبات بین دول سرمایه داری را تنظیم می نمود را به زیر سؤال برد. او با شروع جنگ تجاری علیه چین، روسیه و حتی متحدینش در اروپا، بحران جهانی سرمایه داری را با چالش های جدیدی روبرو ساخت و اکنون در روزهای پایانی دوره ریاست جمهوری او، جهان بسیار نا آرام تر و با خطرات رویارویی های قدرت های امپریالیستی و نتایج حاصل از رقابت های سخت در همه گوشه های جهان روبروست.

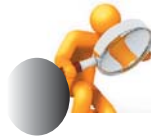
زمانیکه در اول سال دو هزار و شانزده میلادی قرار داد "برجام" بین جمهوری اسلامی و گروه پنج بعلاوه یک شامل آمریکا، فرانسه، انگلستان، روسیه، چین و آلمان امضاء گردید، دولت روحانی آنرا یک دستاورد مهم دیپلماسی جمهوری اسلامی اعلام کرده و آن را سرمایه ای برای انتخابات دوره آینده ریاست جمهوری برای خود ثبت نمود. هر چند که مقامات رژیم نزدیک به چهار دهه بر طبل مرگ بر آمریکا نواخته بودند، حالا دیگر صحبت از نرمش قهرمانانه می کردند. ولی مفاد قرارداد "برجام" نشان می داد که این نرمش قهرمانانه چیزی جز تسلیم زبوانه جهت نجات رژیم از بحران همه جانبه اقتصادی و اجتماعی نبود. دولت روحانی وعده رشد اقتصادی هشت در صدی را می داد که گویا به یمن سرازیر شدن سرمایه های خارجی قرار بود به وقوع بپیوندد. اگر در زمان تحریم ها این کارگران و مردم تهدیدست جامعه بودند که باید تاوان تورم افسار گسیخته و فقر جانسوز را بدهند، این بار با قرارداد برجام باید خود را برای بهره کشی حداکثری آماده کنند. در این میان اما ساختار سیاسی رژیم مانع جدی بر سر راه ورود سرمایه های خارجی بود. در بستر رفع تحریم ها رژیم صادرات نفت خود را بالغ بر دو میلیون و پانصد هزار بشکه در روز رساند که درآمدی بالغ بر پنجاه میلیارد دلار بود. اما بخش اعظم این درآمدهای کلان نفتی یا صرف بوروکراسی عظیم رژیم و گسترش مؤسسات تولید و تبلیغ خرافات و افکار پوسیده، یا اختلاس های نجومی و یا هزینه بلند

پروازی های رژیم در خارج از مرزها گشت. به قدرت رسیدن ترامپ و اعلام خروج آمریکا از برجام در واقع نقطه پایانی بر کوشش های بی فرجام رژیم جهت جذب سرمایه های خارجی و ورود به دوره ای است که رژیم با تحریم های جدید و بسیار گسترده تر از قبل از برجام روبرو گشته و از امکانات بسیار محدودتری برای دور زدن تحریم ها برخوردار بود. پایبندی کشورهای سه گانه اروپا بر برجام اما در مقابل تحریم های ثانوی آمریکا چیزی جز جملات آرام کننده بر بیماری که در بستر مرگ افتاده بود، نبود. تهدیدات رژیم برای از سرگیری فعالیت های هسته ای نه تنها کارائی چندانی نداشت، بلکه باعث عکس العمل تند از جانب کشورهای اروپائی گردید. و البته همه این وضعیت در شرایطی بود که تلاشی اقتصادی جامعه شتاب بیشتری گرفته بود. واقعیت این بود که رژیم هیچگونه امکان و توانائی برای کاهش این بحران شدید اقتصادی نداشت و این البته تنها چالش رژیم نبود.

چالش مهمتر رژیم و ترس واقعیش از گسترش یک جنبش اعتراضی، از اعتصابات کارگران، بازنشستگان، معلمان، دانشجویان و به چالش کشیده شدن از جانب زنان بود. در این میان تشدید فضای جنگی در منطقه و تخاصمات بین آمریکا و رژیم حلقه محاصره را بدور رژیم تنگتر کرده بود و به جرأت می توان گفت که تلاش های باندهای رژیم و اپوزیسیون بورژوائی برای کشاندن مردم جهت قرار گرفتن در پشت یکی از طرفین این جدال ثمری به بار نیامد. واقعیت این بود که نه در دوران تحریم ها و نه در دوران رفع تحریم ها تغییری در زندگی مردم بوجود نیامده بود. و همه وعده هائی که در مورد شکوفائی اقتصادی بعد از قرارداد برجام و سرازیر شدن سرمایه های خارجی داده می شد، نانی به سفره مردم نیامد. بنابراین هیچ دلیلی وجود نداشت که مردم به پیاده نظام جدال ارتجاعی امپریالیست ها و رژیم تبدیل گردند. راه حل مردم برای مقابله با این اوضاع تنها می توانست گسترش اعتصابات و اعتراضات، ایجاد تشکل های مستقل و سرتاسری و تدارک برای نبرد نهائی باشد. همان کاری را که در دیماه نود شش و آبان نود و هشت انجام دادند و همچنان با وجود تحمیل شرایط وخامت بار ناشی از شیوع ویروس کرونا انجام می دهند.

در روزهای پایانی سال همچنان میلیاردها تن از مردم در سرتاسر جهان در جنگ مرگ و زندگی با ویروس کرونا هستند. ویروس کرونا آئینه تمام نمائی شد که تمام چرک و کثافات جامعه سرمایه داری را در منظر عمومی قرارداد. معلوم می خواهیم تن به این بدهیم که تمام

عباس منصوران



## مروری بر سال گذشته میلادی

های عفونی مانند مالاریا، فلج کودکان، انگل ها و اسهال ها و... که به وسیله ی پیشگیری ها و درمان ها و آموزش های بهداشتی ارزان و موثر و قابل پیشگیری قابل جلوگیری بودند، مرگ و میر در نتیجه تصادف در جاده های مرگ، مرگ و میر در نتیجه خشونت های فزاینده در نتیجه ی حاکمیت مناسباتی که خشونت می آفریند و به وسیله ی رسانه های خویش شبانه روز تبلیغ و تزیق می کنند، مرگ و میر میلیونی در نتیجه آلاینده ها، مواد شیمیایی، سموم و هرزابهای جاری به چرخه ی زیست و بوم و زمین ها و آب و هوا که انواع بیماری های مرگ آور سرطانی، قلبی، تنفسی و خونی می آفرینند و نگرانی ها و استرس های مرگ آوری که آسیب های روانی، کاهش نیروی دفاعی بدن، افزایش بیماری های مختلف و نابودی و آسیب به دیگر جانداران از پرندگان گرفته تا آبزیان و گیاهان را به بار می آورند و مرگ ها و آسیب ها، در این سال نیز زیست انسان ها و زندگان آسیب پذیر را به مرگ های بیماندتری کشانید.

به این سیاهه ی دراز، می توان سیل و توفان و زمین لرزه و ریزگرد و دهها رخداد طبیعی را افزود که به صورتی غیرطبیعی و طبقاتی و سنگین تر از همیشه بر کرده ی فرودستان و آسیب پذیران روی زمین آوار می شوند. سال ۲۰۲۰ نیز سال دستاورد بزرگ در سرعت و فن آوری واکسن، تشخیص و کشف رمز و چگونگی ژنتیک ویروس بود. سال کووید ۱۹ نامی بود که بر صفحه ی تاریخ نشست.

### سال اعتراض و خیزش

این سال، سال اعتراض و خیزش های توده ای و کارگری در پنج قاره جهان علیه تنگدستی، ستم، نابرابری، شرایط سخت اقتصادی و رژیم های سرکوبگر و دیگر نابسامانی ها و ستمگری های نظام سرمایه داری بود. جدا از این نقاط مشترک، نقطه ی مشترک همگی، نقش برجسته و حضور زنان در پیشاهنگی این خیزش ها بود. از فرانسه گرفته تا لبنان، ایران، شیلی، عراق، الجزایر و بسیاری از دیگر کشورها، زنان در پیشاپیش این خیزش ها بودند. در ایران در برابر حاکمیت فساد و تباهی، روزها ده ها اعتراض کارگری در محیط کار، خیابان، در برابر ارگان های حکومتی و میدان ها بودیم، دهها اعتراض مال باخته، مورد دستبرد مال ربایان حکومتی، دهها اعتراض اجتماعی، کشتار صدها کولبر و تباهی کودکان کار، خودکشی ← کودکان، زنان و کشتار دختران و زنان زیر

سال ۲۰۲۰ میلادی به تاریخ پیوست، اما به سود ستمگران طبقاتی. همانگونه که مذاهب به گوش ها و مغزها تزیق می کنند که چرخ گردون به دست قدرتی شکست ناپذیر در گردش است، اما به همراه جلال الدین بلخی - رومی باید گفت: «گر چرخ به کام ما نگردد، کاری بکنیم تا نگردد»!

سال ۲۰۲۰ بنا با سنجش رویدادها، شاید یکی از تیره ترین سال های سده ی اخیر بود و به سان سالی تلخ و تاریک برای همیشه از آن یاد می شود و به ثبت می رسد.

### سال کووید ۱۹

پاندمی یا همه گیر شدن بیماری ویروس تاجدار (کرونا) بیشترین عرصه های زندگی روی زمین را به بحران کشانید. ویروسی که از خانواده ویروس های آنفلونزا بود، جهش یابنده تر و به شدت نسبت بیماریزایی و کشتار آن در مقایسه با هزاران بیماری دیگر در جهان هرچند کمتر بود، اما به افراد آسیب پذیر جامعه در سراسر جهان به شدت مرگ آورتر شد و زندگی میلیاردها انسان زیر ستم را به مرگ و آسیب کشانید.

بنا به گزارش های رسمی سازمان بهداشت جهانی (WHO) تا ۲۲ دسامبر، دستکم ۲۲۲ کشور مورد حمله و گسترش کووید ۱۹ قرار گرفته و بیش از یک و نیم میلیون نفر را از پای در آورد و افزون بر ۸۰ میلیون نفر را بیمار و بستری کرده است. آشکار است که این آمار بسیار کمتر از آمار واقعی و پنهان این پاندمی است. کشتارگری این ویروس بسیار کمتر از میزان مرگ و میر در نتیجه نابرابری های اجتماعی و طبقاتی است که هم اکنون با ماشین استثمار و سوداگری مناسبات سرمایه داری بر زمین جاری است. مرگ در نتیجه بیکاری و فقر و غذایی نبود بهداشت و بریدن از گلوی کارگران، تهیدستان و فرودستان جامعه طبقاتی، مرگ در نتیجه سوداگری مواد مخدر در سراسر جهان، مرگ در نتیجه غیرایمنی و شرایط و محیط کار، نمونه ی انفجار در معادن و تصادف های جاده ای، انفجار دستگاه ها و فروافتادن کارگران ساختمانی از ساختمان ها، زیر آوار رفتن ها و سوختن ها و...، مرگ و میر و کشتارهای مستقیم و غیرمستقیم جنگ های نیابتی، تروریسم و کشتاری که به وسیله ی اسلامگرایان و حکومت هایشان در ایران، سوریه، افغانستان، ترکیه، عراق، یمن، فلسطین، اسرائیل، پاکستان و دیگر کشورهای اسلامی جاری است، مرگ و میرهای میلیونی در نتیجه ساده ترین بیماری

↪ خسارات بحران کرونا بر دوش ما سرشکن کنند. آیا آماده ایم که بپذیریم برای ماه ها و سال ها دستمزدها منجمد گردند. آیا باز هم حاضریم تماشاگر تهاجم وحشیانه سرمایه به طبیعت و محیط زیست باشیم، تهاجمی که همه غول های سرمایه داری جهان در آن یکسان عمل کردند. آیا می خواهیم همچنان به موعظه های آنانی گوش دهیم که گویا سرمایه داری را می توان انسانی کرد و یا به موعظه های فاشیست ها و راسیست ها گوش دهیم که ما را به بازگشت به دولت های ملی، به بازگشت به طبقه کارگر تجزیه شده برپایه تفاوت های ملی و قومی فرا می خوانند.

اگر هیچکدام از اینها را نمی خواهیم و تفاوت عظیمی مابین شرایط عادی برای اکثریت عظیمی از ساکنان این جهان با شرایط عادی برای اقلیتی غارتگر موجود است، در این صورت باید در فکر سازمان دادن بازگشت به شرایط عادی مطلوب خودمان باشیم. واقعیت این است که اگر عزم و اراده طبقه کارگر و پراتیک آگاهانه او به میدان نیاید، یکبار دیگر سرمایه خود را باز سازی کرده و وحشیانه تر از گذشته خسارات ناشی از بحران را از کرده ما بیرون خواهند کشید. هیچ دلیلی وجود ندارد که با وجود عیانتر شدن تمام چرخ و کثافات این نظام بردگی پرچم تسلیم را در برابرش بلند کنیم. تصاویر خونین، فلاکت بار و دردناک همین چند ماه گذشته نشان داد که سرمایه داری بربریتی بیش نیست و تنها سوسیالیسم می تواند بدیل رهائی انسان، بدیل آشتی انسان با طبیعت و رهائی از همه نکبت های نظم غارتگرانه سرمایه داری باشد.

هفتم دیمه ۱۳۹۹

بیست هفتم دسامبر ۲۰۲۰



نام قتل های ناموسی و بنا به باورها و اخلاق دینی و مردسالاری ریشه گرفته از مالکیت خصوصی در ایران و دیگر کشورهای اسلامی، از جمله جلوه های سال گذشته بودند.

### خیزش در عراق و لبنان

خیزش اجتماعی و مقاومت در عراق با الگویی نوین و با شعار علیه اسلامگرایان و تروریسم و میلیتاریسم حکومت اسلامی ایران در عراق، و حضور داعش و حشدالشعبی و کتائب الحق که از زیر مجموعه های سپاه قدس به شمار می آیند و کشتار در بغداد و بصره از دیگر جلوه های سال ۲۰۲۰ بودند. لبنان نیز با الگوی خیزش عراق به پاخاست و در برابر حکومت فاسد مرکزی و حزب الله ایستاد و مقاومت کرد.

سال گذشته، در لبنان نیز، مناسبات فاسد و طبقاتی حاکم، که مسبب جنگ داخلی و میلیتاریسم و تروریسم حزب الله بود این کشور را به ورشکستگی و به فروپاشی کشانید. خیزشگران به نمادها و سمبل های وضع موجود حمله کردند. باندهای سه گانه حاکم در لبنان هریک بسته به قدرت و نیروی نظامی و سیاسی و اقتصادی و وابستگی به قدرتهایی مانند حکومت اسلامی، عربستان، فرانسه، ووو در تلاش برای حفظ ثروت و قدرت بودند. اعتراض و خیزش علیه فساد و ستم و نابرابری های طبقاتی برای جابجایی نظام حاکم با قدرتی که در خیابان ها شکل می گرفت در جریان بود.

### انفجار بندر بیروت

انفجار فاجعه آمیزی که سه شنبه ۴ آگوست ۲۰۲۰، نیمی از بیروت و تمام بندرگاه را که شاهرگ حیاتی واردات و صادرات لبنان بود را به ویرانه تبدیل کرد. بنا به گزارش ها، دستکم سیصد جانباخته و افزون بر شش هزار و پانصد زخمی و سیصد هزار بی خانمان و خسارت دیده به جای گذاشت، انفجار خشم دیرینه و متراکم توده ها علیه طبقه حاکم و بسیار فاسد و مالک بر هستی جامعه را متراکم تر کرد.

علت انفجار بندر بیروت، بنا به اعتراف حکومت لبنان، انفجار نیترات آمونیوم ذخیره شده در انبارها و کشتی توقیف شده روسی بود. بروز آتش سوزی در انبار شماره ۱۲ نقش به سزایی در این مرگ و ویرانی داشت. آشکار شد که حزب الله لبنان، این نیروی تروریستی و بازوی مسلح حکومت اسلامی ایران و شریک در حاکمیت لبنان کنترل این بندر و نیز ذخیره مواد منفجره را در انبارها را به عهده داشته

است. بنابر گزارش ها، نیترات آمونیوم ذخیره شده، معموله یک کشتی روسی بود که با پرچم مولداوی در سال ۲۰۱۳ با بیش از ۲۷۰۰ تن نیترات آمونیوم به مقصد موزامبیک در بندر بیروت پهلو گرفته بود و پس از چندی، هنگام ترک بندر، «به دلیل ناتوانی مالکان در پرداخت هزینه لنگر و خدمات بندری به وسیله مقامات لبنانی توقیف شده» بود. نزار صاغیه از سازمان غیردولتی "لیگال اجندا" در بیروت فاش ساخت که: "وزارت ترابری آن را در بندر انبار کرد و به گمرک تحویل داد." و افزود که این «اشتباه بزرگی بود. قانون...صریحا انبار کردن چنین مواد منفجره ای را در بندر منع می کند." صاغیه می گوید که مسئولیت انبار کردن نیترات آمونیوم در بندر متوجه وزارت ترابری، گمرک، و مدیریت بندر است.

### آذربایجان - ارمنستان

جنگ سال ۲۰۲۰ به طراحی ترکیه در منطقه راهبردی قفقاز و مسیر ویژه ی انتقال گاز و نفت دریای خزر به بازارهای اروپا، بدون نیاز عبور از روسیه، به شمار می آید، جبهه دیگری برای خودنمایی نئوعثمانیسم حاکم بر ترکیه بود. اهمیت ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک "قره باغ" در این منطقه پس از ۲۶ سال آرامش نسبی، بار دیگر بسیار سنگین تر از سال ۱۹۹۳ به میدان جنگی نیابتی تبدیل شد. نیروهای آذربایجان برخوردار از پشتیبانی حکومت ترکیه و چراغ سبز حکومت آمریکا و روسیه، در بامداد روز یکشنبه ششم مهر ماه ۱۳۹۹ (۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰) منطقه قره باغ را از زمین و هوا مورد حمله قرار دادند. دولت آذربایجان با اختصاص بخش زیادی از درآمد نفتی و دسترنج کارگران و زحمتکشان، برای خرید جنگ افزار از اسرائیل و آمریکا و دیگر بازارهای سلاح با استفاده از توپخانه، زره پوش و بمباران هوایی، قره باغ را در هم کوبید.

افزایش شانزده درصدی بودجه نظامی ترکیه در سال ۲۰۲۰ میلادی به هفت میلیارد دلار یا پنج درصد از مجموع کل بودجه و بودجه نظامی ترکیه طی یک دهه حدود ۹۰ درصد برای ویران سازی و تهاجم و اشغال روز آوا، شنگال و کردستان ترکیه و جنگ در لیبی و مداخله نظامی در قفقاز و پیشبرد جنگ نیابتی در این منطقه در ادامه بحران داخلی و آرزوهای فاشیستی نئوعثمانیسم حاکمان ترکیه بود.

دولت طیب اردوغان که با نقشه و طراحی حمله زمان تهاجم را تعیین کرده بود، از همان آغاز شلیک خمپاره ها و بمباران ها، نزدیک به ۴۰۰۰ نیروی تروریست آموزش دیده از ادلب سوریه از جمله گروه جبهه النصره، فرقت

حمزه و سلطان مراد و غیره را به جبهه جنگی قره باغ وارد کرد. یکی از مسئولین حکومتی در مسکو اعلام کرد که: «موضوع فعالیت صدها و حتی هزاران افراط گرا مطرح است که امیدوارند از جنگ در قره باغ کسب درآمد کنند. به این گونه، منطقه استراتژیک و بسیار ویژه قفقاز، با شاهراه های انتقال نفت و گاز گرجستان و «ناباکو» به اروپا که در سالهای گذشته با هزینه گذاری های حکومت های اسلامی ایران، عربستان و ترکیه برای گسترش پایگاه های مذهبی همانند عراق و ادلب سوریه به یک مرکز بین المللی تروریستی در آمد. به گزارش گاردین، یک شرکت خصوصی امنیتی ترکیه ای با برپایی پایگاه های نظامی در شهر عفرین به آموزش و اعزام نیروهای شبه نظامی سوریه به باکو پرداخته است. بنا به همین گزارش، «نیروهای تروریستی بسیج شده از سوی ترکیه از اواسط سپتامبر در این پایگاه آموزش دیده و ماهیانه بین ۷ تا ده هزار لیر ترکیه حقوق دریافت می کنند».

استقرار این نیروهای مزدور در آذربایجان، در پی مداخله نظامی ترکیه در سوریه و لیبی، از یک سوی نمایشگر ماهیت و اهداف تجاوزگرانه نئوعثمانیسم حکومت ترکیه و از سوی دیگر نمایانگر رقابت های حکومت های ایران- ترکیه- روسیه، اسرائیل و آمریکا و کشورهایمانند فرانسه است که به بهای بالکانیزه کردن منطقه قفقاز، هریک منافع اقتصادی و سیاسی خویش را در این منطقه حساس جستجو می کنند.

در این جنگ تروریستی- نیابتی، حکومت اسلامی ایران و روسیه و تا حدودی فرانسه به پشتیبانی توخالی ارمنستان و ترکیه و اسرائیل هریک در پی اهداف خویش پرداختند. حکومت های روسیه و ایران درگیری و تشدید تنش در قفقاز جنوبی، را به سود نفوذ بیشتر ترکیه و ناتو در آذربایجان دانستند اما سرانجام به سود روسیه و حضور نظامی در منطقه و نیز ترکیه و اسرائیل انجامید. این مداخله گری، در کنار داعشی های اردوغان، تروریست های النصر و اسلامیست های اجیر شده ی چچنستانی، ازبکستانی، افغانستانی، گرجستانی و... جز به نابودی و مرگ ستمکشان نمی انجامد. حکومت اسلامی ایران برخلاف جنگ ۴ ساله ی ۲۶ سال پیش که با مداخله نظامی در کنار علی اف ایستاده بود، ادر این جنگ، با دوچهره ی فرینده ی دولتی و باند رهبری در این آتش افروزی جلوه گر شد.

اگر به درستی، جنگ ها را ادامه سیاست بنامیم، جنگ نیابتی کنونی به سود قدرت های

جهانی سرمایه، ادامه ی همان سیاست



## فاطمیون و زینیون زیر بمباران و ربایش‌ها

سال ۲۰۲۰ سال بیش از ۳۸ حمله موشکی اسرائیل به بیش از ۵۰۰ هدف نظامی و موشکی و تسلیحاتی حکومت اسلامی در سوریه و عراق بود، بی آنکه حکومت اسلامی مجال کوچکترین دفاع و یا پاسخی برآید. حکومت اسلامی تمامی نیرو و یگان‌های ویژه خود را در آماده باش و بسیج برای سرکوب و کشتار توده‌های به پاخاسته در ایران متمرکز کرد. حکومت اسلامی با ربودن از گلوی تهی دستان، هزاران جوان بیکار و ستمبر افغانستانی و پاکستانی و ایرانی و عراقی و لبنانی و... زیر نام فاطمیون (افغانستانی)، زینیون (پاکستانی)، علویون (عراق و ایران)، حزب الله لبنان، حشد الشعبی (عراقی و ایرانی) و... همه را برای کشتار خیزشگران در ایران و عراق و لبنان و دفاع از حاکمیت بشار اسد و توسعه طلبی نوتراریسم روسیه بسیج و مجهز ساخت. حکومت اسلامی به گسترش تروریسم در منطقه، ربایش مخالفین، استفاده از باندهای مافیایی مواد مخدر و زنان موسوم به «پرستو» و اجیر شده از سوی سازمان اطلاعات سپاه با کد امنیتی «سربازان گمنام امام زمان» پرداخت و به سیاست روز و آشکار خود تبدیل کرد.

### غروب ترامپ

ترامپ و جمهوریخواهان در آمریکا به ناچار، دولت را به جناح رقیب واگذارند. بار دیگر در این انتخابات، نزدیک به اکثریت حکومت شونندگان درخود فریبی، به حکومت گران و استعمارگران اجازه دادند تا همچنان به استثمار و بردگی و خواری شان بکشانند. این نتیجه ی انتخابات بنا به اعتراف روحانی، خوشحالی حکومتگران و رشکسته ی در ایران را سبب شد، به آن امید که با وعده ی بازگشت برجام، از این ستون به آن ستون: «فرجی» برای حاکمیت در سرایشب فروپاشی باشد. اما حکومت اسلامی در ایران آخرین نفس های خود را می کشد و به گرداب سرنگونی حتمی، محکوم و فرو می افتد. ترامپ، هم خود به سان سرمایه دار و هم به سان نماینده ی بخشی از سرمایه داران در آمریکا کارگزار وظایفی باشد که باید انجام می داد. او برخلاف پیمان های مدافع گلوبالیسم ونولیبرالیسم، تنها مدتی کوتاه می توانست سیاست حمایت گرایی (پروتکتویسم) را با شعار و برخی اقدامات پوپولیستی به پیش ببرد و به رقبایی مانند حاکمیت چین امپریالیست و تبه کار و بازار مشترک اروپا فشارهایی وارد آورد، حکومت ترکیه را در اشغال و کشتار در روزآوا اجازه

ی شهرهای دوکان، خورمال، رانیه، پیرامارگون، چمچمال، تکیه، سیدصادق، دربندخان و کفری بیش از همه سرشار از اعتراض و شلیک و آتش بودند. اربیل و دیگر شهرهای زیر نفوذ بارزانی ها در آماده باش و شرایط امنیتی شدیدی هرآینه در حال انفجار بود. کردستان عراق علیه فساد و بیکاری و تهی دستی به پا خاست. این خیزش در نخستین روزهای آخرین ماه سال ۲۰۲۰ جان به لب رسیده در حمله و اشغال برخی از ارگان ها و دفاتر و مراکز حکومتی به ویژه در مناطق زیر حاکمیت اتحادیه میهنی کردستان عراق (باشور) نشان داد که پارلمانتاریسم، خودمختاری و ادعای رفع ستم ملی در چارچوب مناسبات سرمایه داری و ناسیونالیسم، شعارهای دروغینی بیش نیستند. این خیزش نمایانگر آن بود که نابرابری طبقاتی و ستم و استثمار طبقاتی مرز و زبان و فرهنگ و قومیت و اتنیسیته را نمی شناسد به همانگونه که گلوله ها نیز سینه ها و جان ها را بنا به قومیت و ملیت و رنگ و فرهنگ شناسایی نمی کند. در ایران و عراق و کردستان و سوریه و ترکیه و لبنان و... شلیک هر گلوله و کشیدن ماشه به فرمان حاکمان اقتصادی و مالی و سیاسی به سوی خیزشگران در برابر وضع موجود، نشانه می روند. ادعای توجیه گرانی که شرایط توده های زیر ستم و زیر حاکمیت خانواده های حکومتگر در اقلیم را «نتیجه سیاست حکومت مرکزی عراق در بلوکه کردن پول نفت و سهمیه کردستان» می شمارند، خاک پاشیدن به چشم و روی کارگران و توده های زیر ستم است.

### مقاومت شکوهند در روزآوا

جنبش مقاومت در روزآوا زیر هجوم ارتش ناتو به فرماندهی حکومت ترکیه و بسیج هزاران هزار تروریست و راهزنان داعشی و مزدوران همه ی کشورهای اسلامی و در ادامه بمبارا نهی شیمیایی اکتبر ۲۰۱۹ افتخار آفرین بود. هجوم دشمنان از هر سو، به همراه خرابکاری ها و تروریسم و محاصره به ویژه هجوم ها نظامی و بمباران های همه روزه به وسیله ارتش ترکیه و هم پیمانان به سنگال به نیابت از حکومت اشغالگر ترکیه در سال ۲۰۲۰ با مقاومت دلیرانه و شکوه آفرینان یگان های مدافع خلق - زنان و مردان (YPG, YPJ) در روزآوا و سنگال با اراده جامعه و مناسبات اجتماعی در حال ساختار خودمدیریت مشترک درهم شکسته شد. این مردمان خوب و شکوه آفرین به همراه یگان های مدافع و در محاصره کامل، علیرغم هجوم ویروس تاجدار کرونا مقاومتی پر شکوه آفریدند.

اقتصادی بود و صلح شکننده نیز ادامه همان سیاستهای ضد مردمی. این جنگ در ورسبون یا الگوی جدید خود، دستکم از جنگ بالکان در دهه ۱۹۸۰ با ویران سازی و بالکانیزه کردن منطقه یوگوسلاوی و با پارچه پارچه کردن مردمانی که روزگاری در کنار هم می زیستند با پرچم ایدئولوژی های انحرافی ملیت و مذهب، به فرماندهی ناتو، نمایانگر جنگی جهانی است که ادامه همان سیاست گلوبالیزاسیون و بحران بود.

این جنگ نیز ادامه همان سیاست اقتصادی است در ایران و عراق و افغانستان و در یمن با ایدئولوژی حوثی، قبیله ای، و در لیبی و عراق و لبنان و... جاری بوده و امروزه در منطقه قره باغ بین آذربایجان و ارمنستان، شعله ور شده است. تهی دستان و کارگران و زحمتکشان در ارمنستان و قره باغ خودمختار با شهرهای و روستاهای ویران، با هزاران کشته و زخمی، دهها هزار آواره جنگی و نیز آذربایجان با صدها کشته و زخمی و ویرانی قربانیان این توطئه ی سرمایه داران بودند.

### سال مهاجرت و آوارگی

سال ۲۰۲۰ سیل مهاجرین و پناهجویان از کشورهای پیرامونی و قربانیان مناسبات ضدانسانی سرمایه به سوی کشورهای متروپل جاری بود و هزاران نفر را همراه با امیدهایشان برای یافتن کرانه ای برای زندگی در دریا غرق شد و همراه با گلوله و مرگ از سلاح مرزبانان مسلح و قاچاقچیان و سارقین در خون غلتیدند. سال تروریسم داعشی و بریدن گلوی آموزگار تاریخ در خیابان های پاریس، سال بریدن گلوی دختران به دست پدر با داس و مردان خانواده با کارد و دشنه در ایران، افغانستان و حتی سوید و برخی شهرهای اروپایی به دست جلادان، سال تلاش و مبارزه، سال اعتراض و خیزش، سالی که به تاریخ پیوست تا تاریخی دیگر آغاز شود.

### خیزش سراسری در کردستان عراق

کردستان عراق این منطقه ای در ماه دسامبر حساس و استراتژیک و نقطه برخورد میان قدرت های منطقه ای و بین المللی به پا خاست. این خیزش در سی ساله حکومت خودمختار و مدعی «رفع ستم ملی» بی مانند بود. اعتراضات گسترده کارگران شاغل و بیکار، کارمندان دولت و جوانان در سلیمانیه به دلیل پرداخت نشدن چندین ماهه و کاهش دستمزدها و حقوق تا ۳۰ درصد، گرانی و... بیکاری، وضعیت بد اقتصادی و فساد، چهارشنبه ۲ دسامبر / ۱۲ آذر آغاز شد. شهرهای استان سلیمانیه، در برگیرنده

خودمدیریتی که «هفت تپه از آن ماست و خودمدان تولید و فروش و توسعه و مالکیت و همه چیز آن را کنترل خواهیم کرد!»

در پنجاه و دومین روز اعتصاب با شکوه کارگران در هفت تپه، اعلام شد: «مسئولان رنگارنگ دولتی و قضایی و مجلسی! باور کنید اگر سرسوزنی از این خواسته‌های ما عملی نشود باز هم ما را خواهید دید در خیابان‌ها. ما میم کارگران هفت تپه، یعنی پایتخت اعتصاب جهان!»

کارگران هفت تپه، همه روزه در یک سوی در کشاکش مرگ از گرسنگی، پنجه‌های مرگ آور ویروس تاجدار (کرونا) و دمای سوزان افزون بر ۵۰ درجه سانتیگراد خوزستان، در تشنگی و محاصره سپاه سرکوب، ۹۵ روز از بام تا شام فریاد زنان ایستادند. پیشستان طبقه در سنگر هفت تپه، سنگرهای دیگر مبارزه طبقاتی در سراسر ایران پیوند می‌یابند. سرانجام پس از آنکه تلاش‌های دسیسه آمیز امام جمعه اهواز، استاندار خوزستان، طلبه‌های بسیجی، نمایندگان مجلس اسلامی و... بی نتیجه ماند، اعلام کردند که خلع ید از اسدبیکگی‌ها در دستور کار گرفته است. این یک نیرنگ بود. کارگران در بازگشت به کارخانه، اهرم اعتصاب و فشار را به گونه‌ای دیگر به پیش بردند.

روز چهارشنبه، سوم دیماه، هیات داوری حکومتی بار دیگر اعلام کرد که خلع ید از کارفرمای اختلاسگر و فاسد در هفت تپه تشکیل جلسه میدهد. کانال مستقل کارگران هفت تپه که در دو ساله‌ی اخیر نقشی حیاتی در آگاهی بخشی و مبارزات کارگری به پیش برده، فراخوان داد. اسماعیل بخشی، کارگر آگاه و پیشتاز جنبش کارگری شجاعانه فراخوان پشتیبانی داد. جمعی از کارگران هفت تپه از بخش‌های مختلف در روز دوشنبه ۱ دی ۱۳۹۹ فراخوان دادند: «فراخوان می‌دهیم و دست یاری به سوی شما دراز میکنیم که روز چهارشنبه کارگران، دانشجویان، اصحاب رسانه، بازنشستگان و فرهنگیان، تشکلات، فعالین اجتماعی و همه عزیزانی که در تهران هستند و امکان حضور دارند در ساعت دو ظهر در مقابل ساختمان وزارت دادگستری تجمع حمایتی برای حمایت از مطالبه اصلی کارگران هفت تپه یعنی خلع ید از بخش خصوصی برگزار کنند.» کارگران در این فراخوان افزودند: «مستحضرید که ما در دور اخیر اعتصابات خود بیش از نود روز تجمع اعتراضی برگزار کردیم. میدانید که هیچ گونه فشار و ستم قابل تصویری نبوده که بر همکاران و به خصوص نمایندگان ما وارد نکرده باشند: از دستگیری و قطع حقوق و اخراج و شلیک تیر به منزل و

مواد مخدر روانگردان (آمفتامین) است که در تیر ماه در این کشور ضبط شده است. روز شنبه ۶ دی ۱۳۹۹ برابر با ۲۶ دسامبر ۲۰۲۰ خبرگزاری نوا در ایتالیا اعلام کرد که عوامل پشت‌پرده این محموله عظیم مواد مخدر در نتیجه تحقیقات پلیس این کشور مشخص شده است.

در روزهای نخست تابستان، هنگامی که ایتالیا به شدت در گرداب کرونا دست به گریبان بود این محموله عظیم ۱۵ تنی مواد روانگردان آمفتامین به وسیله ی پلیس ایتالیا کشف شد. آمفتامین و دیگر مواد روانگردان از جمله موادی هستند که برای ایجاد انرژی و محرک کاذب برای جنگیدن و بیدارماندن و احساس نکردن خستگی تا دم مرگ به وسیله داعش و حکومت اسلامی در سوریه و لبنان در آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌های حزب الله و داعش برای مصرف داخلی نیروهای خودی و برای فروش و صادرات به دیگر کشورها تولید می‌شوند.

اعلام شد که ۱۵ تن آمفتامین به صورت قرص (حدود ۸۵ میلیون) در محموله‌های کاغذ و چرخ‌دنده‌های بزرگ صنعتی جاسازی شده بود. گفته می‌شود که پلیس گمرک ایتالیا با اینکه کانتینرهای حاوی این بار قاچاق را با اشعه ایکس بازرسی کرده بودند ولی این مواد کشف نشده بود.

### هفت تپه سراسری می‌شود!

در سال ۲۰۲۰ کارگران شرکت نیشکر هفت تپه در ادامه مبارزات و اعتراض‌های از سال ۱۳۸۴ تا کنون خویش با «مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر!» در سپهر مبارزات طبقاتی جنبش کارگری بار دیگر با اعلام اعتصاب به پاخواست. اعتصاب ۹۵ روز در کارخانه و خیابان در این سال در تمامی تاریخ جنبش کارگری ایران بی‌مانند بود.

کارگران هفته تپه، با درخواست خلع ید از بخش خصوصی و پایان دادن به فساد دولتی، نه به سان شعار بلکه، با نشانه گرفتن عامل اصلی فلاکت، یعنی مناسبات حاکم به مبارزه خود ادامه داد. کارگران با درخواست لغو مالکیت بخش خصوصی و پیشنهاد آلترناتیو دولتی کردن و تعاونی صددرصدی کارگری، همزمان فساد حکومتی را نشانه گرفتند. این خواست، به معنای گذر از یک تاکتیک و همزمان شعار



دهد، اورشلیم را مرکز سفارت خود در آورد، بازار عظیم فروش سلاح به ویژه در خاورمیانه را به سود لاکهید و شرکا رونق بخشید. کشتن قاسم سلیمان فرمانده سپاه اشغالگر قدس و همراهان در فرودگاه بغداد و نیز ابوبکر بغدادی دو دشمن بشریت را به نام خود ثبت کند و اندکی محبوبیت یابد. کشته شدن قاسم سلیمانی و همراهانش از جمله ابومهدی مهندس فرمانده کتائب اهل حق و حشد الشعبی، ۳ ژانویه ۲۰۲۰ در بغداد اما ضربه‌ای موثر به تروریسم و دخالت‌گری‌های برون مرزی حکومت اسلامی بود. هرچند ابوبکر بغدادی و همراهان به وسیله نیروهای مدافع خلق در روزآوا شناسایی و مورد حمله قرار گرفتند، ترامپ این دستاورد را به نام خود و دولت‌اش تبلیغ کرد.

### شلیک سپاه به هواپیمای مسافربری

در صبحگاه ۸ ژانویه، پرواز شمار ۷۵۲ هواپیمایی بین‌المللی مسافربری وابسته به هواپیمایی بین‌المللی اوکراین از تهران به مقصد کی‌یف هدف شلیک پدافند هوایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار گرفته و سرنگون شد. هواپیمای در ۱۸ دی ۱۳۹۸ (۸ ژانویه ۲۰۲۰) ساعت ۶:۱۹ صبح، اندکی پس از برخاستن از فرودگاه بین‌المللی «خمینی» هدف دو موشک قرار گرفت که به فاصله ۲۴ ثانیه از سامانه موشکی تور پدافند هوایی سپاه پاسداران و به فرمان بالاترین فرماندهی سپاه، شلیک شدند. مسافرین، زنان و کودکان و جوانان و تمامی سرنشینان قطعه قطعه شدند. پاره‌های بدن انسان‌ها و هواپیما در نزدیکی شاهدشهر استان تهران فروریخت کرد. همه ۱۷۶ سرنشین این پرواز جان باختند. حکومت اسلامی ایران بلافاصله علت سقوط را نقص فنی اعلام کرد و کارشناسان شلیک موشک را فاش ساختند. ابوالفضل شکارچی، سخنگوی نیروهای مسلح ایران، این ادعا را «دروغ محض» خواند و تأکید کرد که «این موضوع توسط خط نفاق به نفع آمریکایی‌ها دنبال می‌شود و توطئه‌ای دیگر در حوزه جنگ روانی» است. حکومت اسلامی، تلاش ورزید در محل سرنگونی، مدارک این جنایت را پاکسازی کند و از بین ببرد و حتا جعبه سیاه را پس از دستگیری و تاخیر چندید ماهه تحویل دهد. و سرانجام شلیک موشک را پذیرفت و آن را در نتیجه یک اشتباه فنی وانمود ساخت.

### کشف بزرگترین محموله ی قاچاق

مقام‌های قضایی ایتالیا در اعلام کردند که حزب‌الله لبنان مالک و انتقال دهنده ی ۱۵ تن

مرضیه نظری

## از هفت تپه تا همایش تهران



می گیرد. همچنین نشان داد که جنبش کارگری چه از لحاظ گسترش مبارزات، استفاده از راهکارهای مختلف برای سازماندهی اعتراضات و چه از لحاظ آگاهی طبقاتی، هر روز تواناتر و با تجربه تر می شود، و قدرت کارگران برای بسیج جامعه را به نمایش گذاشت. همبستگی نمادین لایه های مختلف جامعه با کارگران نیشکر هفت تپه، نشان داد که کارگران ایران و در کل طبقه کارگر توانایی متحد کردن توده های کارگر و تپه دست زیر ستم را پیرامون خواسته های کارگری و طبقاتی و نیز خواسته های به حق دیگر لایه های ستمدیده و قربانیان مناسبات سرمایه داری را دارد.

همبستگی طبقاتی یکی از ستون های مهم مبارزه طبقاتی کارگران علیه سرمایه داران و طبقه حاکمه است. همبستگی طبقاتی کارگران نه تنها وسیله کارگران برای بقا و رسیدن به خواسته ها و مطالبات آنی خود است، بلکه آن عنصر پیوند دهنده ای است که لایه های زحمتکش و زیر ستم سرمایه را به هم گره زده و نزدیک می کند و می تواند ابزاری قدرتمند برای سازماندهی و دفاع توده های مردم از خواست ها و حقوق خود باشد. همبستگی کارگران و توده های زحمتکش ایران با کارگران نیشکر هفت تپه نمایانگر این درک تاریخی نیز هست که کارگران - که برای زنده ماندن، نیروی کار خود و در شرایط ایران، نیروی جان و تن خویش را به بهایی ناچیز می فروشند - هیچ نقطه مشترکی با لایه های لیبرال و رفرمیست و هیچ جناح و گروه سیاسی اپوزیسیون رنگارنگ بورژوازی حکومت اسلامی که از کار کارگران سود می برند و زندگی می کنند - ندارند و به این باور رسیده اند که هیچ کس برای نجات کارگران و زحمتکشان نمی آید و تنها امید و اعتماد و تکیه امان باید بر نیروی رهایی بخش خود ما، کارگران باشد.

اگر چه روز چهارشنبه شاهد همبستگی پشتیبانان جنبش کارگری با کارگران هفت تپه و در کل نمایشی از حس ضرورت و وظیفه و همبستگی به یک طبقه و درک منافع مشترک به خاطر هدف و خواسته ای مشخص بودیم، اما برای کارگران نباید این همایش فقط به یک تجربه تبدیل شود. این آزمون، فراگیری از یک تجربه ی مشخص را باید در پی داشته باشد تا بتوان به کمک آن، خود را برای رسیدن به آن اهداف بزرگ تری آماده کرد و سازمان داد که بتواند کل جامعه را از تمام فلاکت ها و فساد نظام حاکم سرمایه دار و حاکمیت تبه کارش رها سازد.

کارگران در ایران همزمان با مبارزه برای مطالبات روزمره خود، هیچگاه نسبت به دیگر

در پی فراخوان کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در تاریخ یکم دی ۱۳۹۹ برای پشتیبانی از خواسته های کارگران هفت تپه و فراتر از همه، خلع ید از مالکیت باند اختلاسگر وابسته به دولت در هفت تپه، صدها نفر از کارگران، دانشجویان، بازنشستگان، معلمان، وکلا و معترضین به این فراخوان پاسخ مثبت دادند. این همایش در همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه، پاسخ به فراخوان کارگران در برابر وزارت دادگستری رژیم در روز چهارشنبه سوم دی ماه ۱۳۹۹ همزمان با برگزاری نشست هیئت «داوران» برای تعیین تکلیف وضعیت مالکیت مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، در روند و سیر مبارزه طبقاتی، رویدادی مهم و سزاوار تعمیق و اندیشه و تحلیل طبقاتی است. این رویداد را از این زاویه نبایستی موضوعی ساده و روزمره نگریست.

همایشگران به فراخوان کارگران هفت تپه و اسماعیل بخشی پاسخی شایسته دادند و با سردادن شعارهای "از هفت تپه تا تهران، زحمتکشان در زندان"، "کارگر، معلم، دانشجو، اتحاد اتحاد" و "نان، کار، آزادی، اداره شورایی" پشتیبانی خود را از خواسته های کارگران بیان داشتند. پشتیبانی کاربران شبکه های اجتماعی از شامگاه سه شنبه دوم دی با استفاده از هشتگ #خلع\_ید\_یک\_کلام\_والسلام از کارگران هفت تپه که پس از درخواست پشتیبانی از همایش تهران از سوی اسماعیل بخشی در اینستاگرام این کارگر پیشرو اعلام شد، ضمن آنکه پاسخی شایسته گرفت، مورد گفتگوهایی نیز قرار گرفت. هرچند هدف این نوشتار پرداختن به ملاحظه ها و گفتگوهای مطرح شده در روزهای اخیر نیست، اما به روشنی فراخوان کارگران و نیز پشتیبانی اسماعیل بخشی و همایش در تهران را گامی ارزنده می شمارد و بر آن است که باید این تجربه را مورد ارزیابی قرار داد و از آن جمع بندی داشت و به عنوان یک تجربه کارگری، کاستی های آن را در ادامه همایش های کارگری تجربه گرفت و دستاوردهای آنرا تقویت بخشید.

این حرکت اعتراضی از سویی نشان داد که علیرغم همه سرکوب گری های رژیم علیه کارگران و بگیر و ببند و زندان و شلاق و صدور احکام سنگین و چوبه های دار و ربایش ها و هراس افکنی ها برای مرعوب کردن و از هم پاشاندن صفوف کارگران در ایران و معترضین، کارگزاران سرمایه و سرکوب قادر به مهار جنبش های اعتراضی کارگران و توده های زیر ستم نیستند. این همایش و کارزار رسانه ای نشان داد که هفت تپه می تواند تا تهران و در آینده به سراسر ایران پیوند یابد و فراخوان مستقل کارگران پاسخی برجسته

آتش زدن خانه و تحمیل خودکشی به همکاران ما و اخراج صدها همکار ما و هرگونه ابزاری در راستای سرکوب مطالبات برحق کارگران هفت تپه. اکنون وقت آن است که هیات داوری بر اساس شواهد و اسناد بسیار واضح و موجود رای به خلع ید بخش خصوصی فاسد داده و شرکت به را به بخش عمومی - دولتی بازگرداند. اما می بینیم که دولت از تمام ابزار خود برای حمایت از این بخش خصوصی استفاده میکند.

بدینوسیله و از آنجا که برای همکاران ما سفر به تهران هم به لحاظ هزینه و بعد مسافت و هم مشکلات کرونایی امکان پذیر نیست از همه افراد، رسانه ها، تشکلات و همه عزیزانی که حامی طبقه کارگر و مشخصا علیه سیاست جنایتکارانه خصوصی سازی هستند و همیشه به اشکال مختلف از مبارزات کارگران هفت تپه اعلام حمایت کرده اند تقاضا داریم به درخواست یاری ما پاسخ مثبت بدهند و در روز چهارشنبه برای اعلام حمایت از خواسته کارگران هفت تپه و تاکید بر صدور فوری رای خلع ید از بخش خصوصی فاسد و اختلاسگر و برای آزاد سازی هفت تپه، در مقابل وزارت دادگستری و در ساعت دو ظهر تجمع حمایتی کنند.

«زنده باد اتحاد - زنده باد آگاهی و تشکل!»

کارگران، خود در جستجوی شیوه ها و ساختارهای نوینی هستند که نیازهای مبارزاتی این برهه را برآورده سازند و پاسخگو باشند.

سال ۲۰۲۰ می ورد تا به تاریخ پیوندد، سال ۲۰۲۱ بسا که سالی دیگری باشد، با پیروزی و دستاوردهایی به سوی پیروزی روشنایی بر تیرگی.

۲۶ دسامبر ۲۰۲۰



## صفحه ویژه جنبش کارگری



نشریه جهان امروز در این صفحه‌ی ویژه به بازتاب مبارزات کارگری و بررسی فرازهایی از این جنبش می‌پردازد. مروری بر مبارزات طبقاتی درخشان جنبش کارگری در هفت تپه، از جمله موضوعاتی است که به صورت پیاپی، اما به صورت نوشتارهای مجزا ارائه می‌شود. در این شماره بخش سوم را ملاحظه می‌کنید.

\*\*\*

### مروری بر مبارزات طبقاتی در هفت تپه!

#### اعتصاب تاریخی تابستان ۱۳۹۹

(۳)

#### طرح تعاونی کارگری شکوه

از زبان کارگران اعلام شد: «این طرح که برخی همکاران تحت نام تعاونی کارگری شکوه طرح کردند همچنین دارای مدیریت و کنترل شورایی کارگری بر تمامی شئون فنی-اجرایی-مالی-مالکیتی-حقوقی است. در این شکل از تعاونی کارگری تمام کارگران به صورت شورایی بر همه چیز نظارت و دخالت و اعمال نظر دارند.» این طرح، بی‌درنگ با پاتک عوامل سیاسی امنیتی سرمایه‌داران روبرو شد. کانال مستقل کارگران هفت تپه، ماهیت عوامل ضدکارگری پنهان و نیز شناخته شده و جلوی صحنه آنها را افشا کرد:

کانال مستقل کارگران-هفت تپه از جمله آشکار ساخت: «با وجود اختلاف و درگیری بین دو کارفرما یعنی اسدیگی و رستمی هر دوی اینها و عوامل آنها بر سر چند موضوع اشتراک و موافقت دارند: ۱- تلاش برای ایجاد تفرقه در صفوف کارگران معترض، ۲- تلاش برای به کار بستن امکانات همدستان حکومتی شان برای بقای خودشان ۳- و تلاش برای تخریب فعالان و نمایندگان مستقل کارگری.»

در راستای تلاش برای تخریب نمایندگان مستقل کارگری هر دو جناح فاسد، عوامل و جاسوسان خود را به کار گرفتند. آشکار شد که از جناح داعش بیگی‌ها (خاناندان اسدیگی) مسعود کثیر و از جناح رستمی (ملقب به توهم فرار)، فریدون نیکوفرد و رضا رخشان (که کانال مستقل از آنها به عنوان «دو عنصر اطلاعاتی» نام می‌برد) تلاش می‌کنند که آن یکی طرح تعاونی ضد کارگری که فقط سهمی از سهام را برای کارگران در نظر می‌گیرد را به فعالین کارگری بچسبانند و به «دروغ اعلام کنند که این همکاران ما شاید علاقه مند یا موافق این طرح باشند. این ادعای دروغ چیزی نیست جز تلاش برای تخریب و جبهه نمایندگان ما.»

کارگران پیشرو آشکار ساختند که: «اینکه عوامل کارفرما عامدانه طرح تعاونی ضد در صد کارگری را با یک طرح تعاونی دیگر که ضد کارگری و غیر قابل قبول است به جای هم معرفی می‌کنند و سعی می‌کنند یکی را به فعالین مستقل کارگری نسبت بدهند چیزی نیست که کارگران هفت تپه به سرعت متوجه آن نشوند.» کارگران با روشنگری های بی‌درنگ و لحظه به لحظه کانال مستقل و کارگران آگاه، اعلام کردند که «کارگران هفت تپه و نمایندگان مستقل آنها هشیارند و هیچ گونه تعاونی که در آن فقط بخشی از سهام به کارگران داده شود را قبول نخواهند کرد.»

اسدیگی و رستمی به همراه جاسوسان و عوامل شناخته شده

خود از جمله مسعود کثیر، رخشان، محمد نوری، ظهیری و..

می‌گیرد.

همایش سوم دی ماه ۹۹ در تهران، علیرغم کمیته‌ی که می‌بایست صدها برابر فزونتر می‌بود، اما از نظر کیفیت یک گام ارزنده و پیشنازانه و ضروری و ماندگار در جنبش کارگری بود. در این روز، در حالیکه بسیجیان حکومتی در هراس از فراگیر شدن صدا و تاثیر کارگران، زوزه کشان شعار الله اکبر سر می‌دهند تا ترس خود و حاکمانشان را پنهان سازند، کارگران با شعار "نان، کار، آزادی، اداره شورایی"، نه تنها نشان می‌دهند که مرعوب نشده‌اند، بلکه برای کل جامعه، نوید آینده‌ای روشن و پر امید می‌دهند: آینده‌ای که در آن کارگران به اشتراک، خود صاحب تولید و ابزار تولید هستند، خود با سازماندهی یک جامعه شورایی همه چیز را کنترل و تولید و توزیع و نظارت میکنند، نه استثمارگرانی که کاری جز انباشت ثروت، استثمار و اختلاس و دزدی و فساد ندارند.

شایسته آن است که همراه با پشتیبانی از برگزاری این همایش کارگری، از خیزش تاریخی دیماه ۹۶ که برای نخستین بار توده‌های به ستوه آمده از فقر و بیکاری و گرانی و اختلاس و فساد و خفقان حکومتی در سال ۱۳۹۶ با حضور پررنگ کارگری سرنگونی حاکمیت را در سراسر ایران اعلام کرد، یاد کنیم و یاد جانباخته‌گان این جنبش عظیم را گرامی داریم. در آن روزهای تاریخی که توده‌های به پا خسته با شعارهای "اصلاح طلب، اصول گرا دیگه تمامه ماجرا"، "مرگ بر دیکتاتور" و "نان، کار، آزادی" نه تنها لرزه به ارکان رژیم اسلامی سرمایه انداختند، بلکه نیروی تازه ای به مبارزات کارگران و توده های زحمتکش جامعه بخشیدند و نیروی جنبشی شدند که همواره به قوت خود باقی و در قالب مبارزات کارگران و اعتراضات لایه‌های تهیدست و رنج‌دیده جامعه پر توان‌تر می‌گردد.

۲۸،۱۲،۲۰۲۰

در جامعه ایران و منطقه بی تفاوت نبوده و همیشه موضع رادیکال خود را گرفته‌اند. آخرین این موارد بیانیه‌های متعدد پیرامون قتل‌های حکومتی، بیدادگری‌ها، فسادهای نهادینه حکومتی، همه‌گیری کووید-۱۹ و تهیه واکسن رایگان برای کل افراد جامعه، سرنوشت بازداشت شدگان اعتراضات سال‌های اخیر در ایران، روز دانشجو، اعتراضات اخیر توده‌های خیزشگر و زیرستم در کردستان عراق و موارد دیگر را می‌توان بر شمرد. این موارد به ما نشان می‌دهند که کارگران در ایران دیگر تنها در دغدغه مشکلات و مطالبات آنی و روزمره و کارگری خود نیستند، بلکه با کنش و واکنش‌های طبقاتی از سوی پیشتازان طبقاتی خود، نشانه‌هایی از یک آگاهی طبقاتی به نمایش می‌گذارد. این جلوه‌یابی نیز نمایانگر آن است که طبقه کارگر در ایران در آغاز روندی است که می‌رود تا به آن بالندگی دست یابد که خویش را صاحب جامعه بداند و در برابر فلاکت‌ها و مشکلات آوار شده از سوی مناسبات سرمایه‌داری و حکومت ایدئولوژیک و مذهبی اش، نه تنها احساس مسئولیت و دارای نظر و تئوری بشناسد، بلکه خویش را به عنوان یک طبقه‌ی رهایی بخش وظیفه‌مند و نقش تعیین‌کننده بداند.

ما در حالیکه از سویی شاهد درماندگی روز افزون رژیم در مهار اعتراضات و خیزش‌های کارگری و اجتماعی هستیم، از سوی دیگر شاهد آن هستیم که خواست‌ها، نیازها و مطالبات کارگران و توده‌های محروم جامعه، روز به روز بعد و گسترده‌ای تازه می‌یابند و از شکل تدافعی به خواست‌های تهاجمی و سیاسی‌تر فرا می‌رویند. جامعه، پیوسته شاهد تداوم و گسترش اعتراضات کارگران و پر رنگ‌تر شدن نقش آنان در سراسر ایران بوده و مورد توجه و رصد افکار عمومی و به ویژه نیروهای آزادیخواه، پیشتاز و آگاه سوسیالیستی و کارگری جهانی قرار

این پیروزی را به کارگران متحد هفت تپه - پایتخت اعتصاب جهان- تبریک می گوئیم همانطور که بارها همکاران ما اعلام کرده اند مشکل ما فقط یک یا دو ماه دستمزد نیست؛ مشکل ما حضور داعشی و اشغالگرانه بخش خصوصی در هفت تپه است. تا اعتصاب و تجمع فراگیر نداشته باشیم تکلیف ما با اینها یکسره نخواهد شد. همکاران در هپکو موفق شدند از بخش خصوصی خلع مالکیت کنند. ما در هفت تپه و در پایتخت اعتصاب جهان این بار با اعتصابی که منجر به بیرون کردن اسدیگ و شرکا و جاسوس هایش شود خواهیم توانست برای همیشه از شر این منشا فساد و مصیبت خلاص شویم»

### اسد بیگی‌ها در مگنهی رقابت‌ها

در پی اعتصاب‌ها و اعتراض‌های کارگران و نیز در میان اختلاف‌های درونی بین دولت و قوه قضاییه و مجلس اصول‌گرایان، و آشکار شدن فساد اسدیگی‌ها، و در هراس از گسترش اعتصاب‌ها به دیگر مناطق ایران، در خردادماه ۱۳۹۹، امید اسد بیگی و مهرداد رستمی چگینی به دادگاه فراخوانده شدند. این دو به همراه مجتبی کحال زاده، جواد بصیرانی، علی اکبر میرزایی حسین زاده متهمان ردیف اول دوم تا پنجم این پرونده هستند که به همراه ۱۶ متهم دیگر در دادگاه از اتهامات انتسابی دفاع خواهند کرد که محسن صالحی و رسول سجاد دو نفر از مدیران کل ستادی بانک مرکزی نیز در میان این متهمان قرار دارند.

با سناریو برگزاری دادگاه «اختلاس» اسد بیگی و چند تن از همدستان، اسدیگی را همانند یک نورچشمی در لباس یک مدیر عامل و بچه سرمایه‌دار «شیک و گستاخ»، پذیرا شدند تا «پاره‌ای توضیحات بدهد»، نمایش اختلاس به هر بهانه به تعویق اندازد و به آنان مجال داده شود تا به کمک عناصر سند ساز و جاعل خویش از قماش «هرمز کاهکش»‌ها، متخصص سندسازی برای اجاره‌دهی زمین‌ها، سندهای جعلی بسازد با پیمان‌کاران و اجاره‌دهی‌های بیست ساله، مالکیت خصوصی را تضمین و از خلع ید جلوگیری کند.

اتهام «سردستگی سازمان یافته اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده ارز و معاملات غیرمجاز ارزهای دولتی» و «آلوده کردن مسئولین» و به گفته نماینده دادستان با این واقعیت که در میان سران حکومتی «هر کسی را در هر مقامی می‌توان خرید!»، در ستیز گرگ‌ها پدیده تازه‌ای نیست. این شیوه مافیاست که در رقابت و حذف و اتحادشان مرزی دیده نمی‌شود.

### اعلام خودمدیریتی شورایی بر سکو هفت تپه.

یکی از دلایل این اعلام، ضرورت ساختاری بود که پاسخگوی نیاز روز و خواست کارگران باشد. در روزهای اعتصابی سال‌های ۹۶ و ۹۷، کارگران با برگزاری مجمع عمومی در محل کار، اعتصاب‌ها را به کمک نمایندگان خود پیش می‌بردند، در این روزها رهبری و پیشبرد همایش‌ها، شعارها، اعتراض‌ها و تاکتیک‌ها و حتی گفتگو با نمایندگان سرمایه و کارفرما و حکومتی به وسیله کارگران حاضر در میدان انجام می‌گرفت و در همان لحظه در کانال مستقل بازتاب می‌یافت و یا بیشتر رهنمودها از این رسانه کارگری گرفته می‌شد. در این دوره، این حضور فیزیکی در صف نحست و مورد اعتماد، نخستین عنصر آگاهی بخش و پاسخگوی سطح خواست‌ها و اعتراض‌ها بود. کارگران شورای اسلامی کار را نیز مردود دانستند و آن را بازوی مسلح سرمایه داران و دولت اعلام کردند.



### زمینه‌های اعتصاب سال ۹۹

در حالیکه اعتصاب آغاز شده بود، کانال مستقل هفت تپه با حضور عملی و میدانی در محل کار اعلام کرد:

جمعه - ۱۵ آذر ۱۳۹۸، اسماعیل بخشی بعد از مدت‌ها آزار و اذیت و حبس و دوری از همکاران و دوستان، بالاخره و در اثر مقاومت خود و خانواده و دوستان و همکارانش و همچنین به عنوان یکی از نتایج اعتصابات متحدانه کارگران هفت تپه، در میان استقبال همکاران خود در شرکت حاضر شد. کارگران هفت تپه بازگشت به کار فوری اسماعیل را به عنوان یکی از شروط تعلیق اعتصاب اعلام کرده بودند.

کارگران هفت تپه همچنین اعلام کرده اند که منتظر اجرای سایر تعهدات کارفرما هستند که برای تعلیق اعتصاب و مکتوب متعهد شده است. در غیراین صورت ادامه اعتصاب را اینبار مستقیماً در مقابل فرمانداری از سر خواهند گرفت.

➔ آینده اشان به هم گره خورده بود. انتخاب کارگران هفت تپه آشکار و روشن بود:

۱- دولتی شدن شرکت با نظارت کامل و شورایی کارگران هفت تپه،  
۲- و یا واگذاری صد در صد مالکیت شرکت به کارگران هفت تپه، چه در چارچوب تعاونی صد در صد کارگری

### ضرورت و نقش سایت مستقل کارگری

در سال ۹۶ با برگزاری مجمع عمومی در عمل و به ویژه در اعتصاب‌های اخیر از سندیکا عبور شد.

نمایندگانی که در این دوره درخشیدند:

عادل سرخه، حسن کهنکی، امید آزادی، مسلم چشمه خاور، یوسف بهمنی، محمد خنیفر، ابراهیم عباسی منجزر، اسماعیل بخشی و... به همراه صدها کارگر به پاخاسته در هفت تپه، نام خویش را بر تاریخ اعتصاب‌ها کارگری و آزادمنشی و شجاعت ثبت کردند.

سایت مستقل هفت تپه که به ویژه از سال ۹۶ که کارگران برای بیان خواست‌های خود به فاز دیگری وارد شدند، همواره نقش یک کمیسیون کارگری ایفا کرده و در زمینه‌های آگاهی بخش، آموزشی، گزارشی، خبری، تبلیغی و ترویجی بازتاب دهنده‌ی شیوه نوینی از تریبون و ارگان کارگری عمل کرده است. می‌گوییم ارگان، به این معنا که این ساختار، از خود کارگران با دیدگاه‌ها و تجربه‌ها گوناگون ساختار یافته که به صورت سلول‌های زنده و سیستماتیک یک اندام واره، به سوخت و ساز کارگری می‌پردازند، مشارکت و حضور میدانی دارند، با نبضی مشترک، خواست‌های مشترک، مطالبات مشترک و آرمانی مشترک را به پیش می‌برند. آشکار است مشارکت کارگران در بخش‌های گوناگون، و برآمده از بافت‌های فرهنگی و سنتی و سنی و آموزشی و... گوناگون، به این همدلی و هم افقی غنا می‌بخشد و نیز با آزمون و خطا به تجربه‌های سرنوشت ساز رهنمون می‌سازد. این خود کارگران هستند که در مجمع عمومی‌هایی که در خیابان و محل کار در جریان امور و مشارکت و ابراز نظر و دخالتگری می‌پردازند، پیوسته در جریان چگونگی‌ها، گزارش‌ها، آگاهی‌ها، تصمیم و خرد جمعی، تغییر تاکتیک‌ها و تک و پاتک‌های دشمن و... قرار می‌گیرند. این یک ساختار افقی است که در هفت تپه برای نخستین بار شورگرایانه آزمون درآمد و نشان داد که در برابر دسیسه‌های امنیتی کارفرما نیز قدرت دفاعی و ایمنی و رهبری دارد.

در دره‌ی گرگ‌ها، حکومت ناچار شده یکی از کارگزاران خود را قربانی کند و فساد نهادینه خود را به چند فرد که در تصفیه‌های درونی و مافیایی، تنها خرده سلطان‌های گوناگون محدود کند. این نمایش در هفت تپه، هیچ تماشاچی نخواهد داشت. اسد بیگی شاید که همانند وحید مظلومین، سلطان سکه که وزن سکه‌هایش را هنگام دستگیری در آبان ماه ۹۷ افزون بر دو تن گزارش دادند، به دستور قوه قضاییه پس از واریز کردن میلیاردها سرقت‌اش به حساب‌های ویژه همانگونه که پیش از آیت الله سید ابراهیم رئیسی، به حساب ۶۳ حساب شخصی صادق لاریجانی، رئیس پیشین قوه قضاییه و حساب‌های دیگر واریز می‌شد و یا برای پنهان ماندن نام همدستان، به دار کشیده شود و یا با میانجیگری پدرخوانده‌های مافیا، در کنار بابک زنجانی در زندان بماند یا به بهشت مافیا، مقیم شوند.

در این فرصت به دست آمده برای تصفیه حساب‌های درونی، اعلام شد که «شرکت بین المللی دنیای معتمد پارسه نیز به مشارکت با شرکت نیشکر هفت تپه و امید اسد بیگی، متهم» و «شرکت آریاک صنعت داتیس هم به عنوان قاچاقچی عمده ارز، شریک این دو شرکت» خوانده شدند. شرکت دریای نور ژئوس هم با شرکت های بالا در معاملات غیر مجازی ارزی، همدست شناخته شده و متهم است.

در روزهای تاریخی اعتصاب بیش از سه ماهه در دمای آتشیار ۵۵ درجه و همه گیری مرگبار کرونا، دادگاه فرمایشی امید اسد بیگی بر پا بود. در یکی از این نمایش ها، ساکی پر از پول و سکه طلا به نمایش گذارده شد. دادستانی اعتراف کرد: «این کیف پر از سکه طلا و ارز متعلق به یکی از مدیران پیشین بانک مرکزی ایران است و در عین حال تایید کرده است که ۴۰۰ سکه کشف شده از خانه مدیران بانک مرکزی بسته بندی صرافی پسرعموی امید اسد بیگی، مدیرعامل کارخانه نیشکر هفت تپه است.»

خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضاییه در گزارشی از دادگاه روز شنبه ۲۱ تیرماه نوشت اتهام‌های اسد بیگی، پرداخت رشوه‌های متعدد به مدیران بانک مرکزی، بانک کشاورزی و وزارت صنعت شامل است.

دادگاه، اسد بیگی را متهم کرد که یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان وجه نقد، ۱۰۰ سکه تمام بهار آزادی و ۱۲ هزار دلار آمریکا و ۸۰۰ سکه تمام بهار آزادی به دو نفر از مدیران پیشین اداره اموال بانک مرکزی به نام‌های محسن صالحی و رسول سجاد پرداخت کرده است.

دادگاه همچنین اسد بیگی را متهم به پرداخت رشوه به فرشاد طالبی از مدیران سابق بانک کشاورزی، به میزان یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان وجه نقد و ۵۰ هزار دلار آمریکا کرده است. در دادگاه، کیفی پر از سکه‌های طلا و ارز و... به عنوان «رشوه‌های میلیاردی» در قبال همکاری در بانک مرکزی به نمایش در آمد.

## وکیل برادر اختلاس گر حسن روحانی، وکیل دفاع از اسد بیگی ها

حسین سرتیپی که پیش از این وکالت پرونده حسین فریدون، برادر رئیس جمهور حسن فریدون (روحانی) را به عهده داشته، دفاع از اسد بیگی‌ها را به عهده گرفت و در جلسه دادگاه می‌گوید: «ارز بی کیفیت به آقای اسد بیگی دادند!» نماینده دادستان در پاسخ به این ادعا واکنش نشان می‌دهد که: «اسد بیگی با سود حاصله از فروش همین ارز بی کیفیت، هفت تپه را خرید!».

شرکت «بین المللی دنیای معتمد پارسه» (با مدیریت کحال زاده) نیز در همدستی با شرکت نیشکر هفت تپه و امید اسد بیگی، اینک با مالکیت هولدینگ و شرکت «آریاک صنعت داتیس» در شراکت با «دریای نور ژئوس» و روسای بانک مرکزی و باندهای حکومتی به یکی از بزرگترین شبکه‌های قاچاق ارز تبدیل شدند. امید اسد بیگی در همدستی با کحال زاده و با استفاده از کارت بازرگانی شرکت «معتمد پارسه» در نخستین سرقت خویش از دسترنج کارگران در هفت تپه، به بهانه‌ی ورود کارخانه چغندر قند با ظرفیت ۱۸ هزار تن، هشتصد میلیون دلار ارز دولتی دریافت کرد، بدون اینکه تا به امروز (پس از ۵ سال - تیرماه ۱۳۹۹) یک پیچ مهره وارد کرده باشد. این هشتصد میلیون دلار، یک رقم ناچیز بود. در نمایشنامه «دادگاه» اسد بیگی آشکار شد که وی «در سال ۲۰۱۴ با سفری که به ایتالیا داشت یکسری ضایعات به قیمت ۱۴ میلیون دلار خریداری کرده که با قراردادی صوری به ازای آن ۳۴۵ میلیون دلار ارز دولتی دریافت کرده است.» این نیز یک رقم ناچیز بود. او به سان یکی از تبولداران رانتی، شریک نظام ارزی و پولی باندها و متخصص جعل اسناد و چپاول هستی جامعه



است. بنا به گزارش‌ها: «جوانی پر رو که در دادگاه هم، به نماینده دادستان اهانت می‌کند. بی نزاکتی او در جلسات دادگاه به حدی است که قاضی مسعودی مقام، قاضی معروف پرونده‌های اختلاس در نظام پولی و مالی کشور در چند سال اخیر، او را به اخراج از دادگاه تهدید کرد.» همدستان این خانواده استعمارگر، شریعتمداری، استاندار خوزستان است که در دادگاه پرداخت ۲۰۰ هزار دلار رشوه به وی و نیز تامین ۲۰ هزار دلار سفر گردشگری وی و به حساب همسرش افشا شد. غلامرضا شریعتمداری، استاندار دولت روحانی، که برای فریب او را در حال جابجایی به گیلان نامیدند، در خوزستان همچنان به پشتوانه مافیای حاکم بر صندلی سرکوب تکیه زده و از کارفرمای خویش پشتیبانی می‌کند. رئیس دادگستری شوش، جعفری چگنی، به همراه «شورای تامین شهرستان و استان» تشکیل شده از سپاهی، بسیجی، امنیتی، انتظامی، لباس شخصی‌ها، حراستی‌ها، استانداری، و صدها محافظ شخصی اسد بیگی‌ها، از سوی سرمایه‌داران علیه کارگران بسیج شده‌اند.

آغاز شمارش معکوس برای اعتصاب و همایش‌ها اعلام شد که «اولین جلسه دادگاه متهمان پرونده شرکت نیشکر هفت تپه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۹ به صورت علنی برگزار می‌شود.

خبرگزاری رسمی قوه قضاییه هم خبر دادگاه و اختلاس یک و نیم میلیاردی امید اسد بیگی را اعلام کرد.

## ۲۶ فرد حقیقی و حقوقی از جمله:

شرکت نیشکر هفت تپه متهم است به مشارکت در اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده ارز و معاملات غیرمجاز ارزهای دولتی به صورت شبکه‌ای و سازمان یافته

(۲۱) شرکت بین المللی دنیای معتمد پارسه متهم است به مشارکت در اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده ارز و معاملات غیرمجاز ارزهای دولتی...

(۲۲) شرکت آریاک صنعت داتیس متهم است به مشارکت در اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده ارز و معاملات غیرمجاز ارزی

(۲۳) شرکت دریای نور ژئوس متهم است به مشارکت در اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده ارز و معاملات غیرمجاز ارزی

(۱) امید اسد بیگی متهم است به سردستگی سازمان یافته اخلال در نظام ارزی و

پولی کشور از طریق قاچاق عمده ارز



## دورنمای جنبش دانشجویی!

بخش هایی از بدنه جنبش دانشجویی از اصلاح طلبان حکومتی و سازمان تحکیم وحدت شد، بیش از بیست سال می گذرد. در آن مقطع جنبش دانشجویی به سرعت مطالبات سیاسی و رادیکال را سرلوحه مبارزات خود قرار داد و این تحول به بستر تقویت گرایش چپ و سوسیالیستی در میان دانشجویان بعد از "انقلاب فرهنگی" تبدیل شد.

طیف نسبتاً گسترده دانشجویان چپ رادیکال متشکل از گرایش هایی متنوع سیاسی در اوایل دهه هشتاد فعالیت های خود را عمدتاً در نشریات مختلف دانشجویی در همراهی با جنبش های کارگری و زنان و از جمله برگزاری و شرکت در مراسم اول ماه مه و هشت مارس متمرکز کردند. اما این جنبش نوپا به دلیل ناآمودگی، ناسنجیدگی و پاره ای اشتباهات، زود هنگام و قبل از آنکه از یک پایه توده ای در بدنه جنبش دانشجویی برخوردار گردد سرکوب شد. جنبش دانشجویی ایران بعد از سرکوب گرایش چپ و سوسیالیستی در اواسط دهه هشتاد، عمدتاً به مطالبات صنفی معطوف شد. این در حالی بود که با روی کار آمدن دولت روحانی و تداوم اجرای سیاست های نئولیبرالی موج جدیدی از خصوصی سازی و کلایبی سازی آموزش عالی و کاهش بودجه ای دانشگاه های دولتی و خدمات رفاهی برای دانشجویان آغاز شده بود. معطوف شدن جنبش دانشجویی به خواسته های صنفی در شرایطی بود که ضرورت مقابله با خصوصی سازی و کلایبی کردن آموزش عالی، در هم شکستن فضای امنیتی حاکم بر دانشگاه ها، مقابله با سیاست تفکیک جنسیتی، به عقب راندن سیاست اسلامی کردن دانشگاه ها، همه و همه در گرو آن بود که جنبش دانشجویی از مبارزه صنفی فراتر رفته و طرح خواسته های سیاسی و دمکراتیک را به پرچم مبارزات خود تبدیل نماید. حضور چشمگیر دانشجویان در خیزش سراسری دی ماه ۹۶ و خیزش آبان ۹۸ سال گذشته و تلاش فعالان آن برای پیوند با جنبش کارگری نشان از آن دارد که جنبش دانشجویی افق رهایی بخش خود را باز یافته و به جایگاه و نقش تاریخی خودش واقف شده است.

کمونیست های جنبش دانشجویی در شرایطی که جامعه ایران آستان خیزش های عظیم اجتماعی و انقلاب است و صحنه سیاسی جامعه ایران

در سال های اخیر با عبور جنبش کارگری و جنبش های اعتراضی از قالب ها و چهارچوب هایی که اصلاح طلبان حکومتی در مقابله علیه وضع موجود پیش پای جنبش های اجتماعی می گذاشتند و بویژه با عروج خیزش سراسری دی ماه ۱۳۹۶ و پایان سلطه گفتمان اصلاح طلبی حکومتی، قابل پیش بینی بود که صف بندی سیاسی حاکم بر جنبش دانشجویی هم تغییر کند. تحت تأثیر این تحولات نقش رهبری تشکل های دانشجویی وابسته به اصلاح طلبان حکومتی و جریانی مانند "سازمان تحکیم وحدت" هم پایان بگیرد و زمینه مناسب تری برای رشد گرایش رادیکال و سوسیالیستی در جنبش دانشجویی فراهم گردد. در این سال ها بر پائی تجمع های دانشجویی در دفاع از خواسته ها و مطالبات کارگران و معلمان و فریاد شعارهای "نان- کار- آزادی، اداره شورایی"، "فرزند کارگرانیم کنارشان می مانیم"، "دانشجو، کارگر، معلم، اتحاد اتحاد"، "دانشجو آگاه است با کارگرمراه است"، "دانشگاه پول گردان تضعیف زحمتکشانش"، به روشنی جهت گیری طبقاتی گرایش سوسیالیستی در جنبش دانشجویی را بازتاب می دهد. سال گذشته زمانی که خامنه ای جلاد شامگاه سه شنبه ۲۸ آبان در پنجمین روز خیزش سراسری اعلام کرد: «دوستان و هم دشمنان بدانند ما در عرصه جنگ نظامی و سیاسی و امنیتی دشمن را عقب زدیم». این "اعلام پیروزی" در جنگی بود که در آن سوی جبهه نبرد خیل تهیدستان شهری، جوانان بیکار این شهروندان به حاشیه رانده شده قرار گرفته بودند، نه سنگری داشتند و نه سلاحی در دست. دانشجویان در روز ۱۶ آذر با بانگی رسا به این گستاخی خامنه ای پاسخ دادند و اعلام کردند که از خون جانباختگان خیزش آبان نمی گذرند و راهشان را ادامه خواهند داد. جنبش دانشجویی نام جان باختگان خیزش آبان ماه را در لیست جانباختگان راه انقلاب ثبت کردند. این واقعیات نشان می دهد که فضای حاکم بر دانشگاه ها و صف بندی سیاسی موجود در جنبش دانشجویی تا چه اندازه از فضای عمومی حاکم بر جامعه تأثیر می پذیرد.

این تحولات یک شبه اتفاق نیفتاد. از تیر ماه ۱۳۷۸ که اعتراضات دانشجویی به توقیف روزنامه "سلام" آغاز شد و همدستی اصلاح طلبان حکومتی با سپاه و بیت رهبری در یورش به دانشجویان زمینه ساز گسست

و معاملات غیرمجاز  
→ ارزهای دولتی

(۲) مهرداد رستمی متهم است به مشارکت در تشکیل شبکه سازمان یافته اخلاخل در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده ارز و معاملات غیرمجاز ارزهای دولتی

(۳) مجتبی کحال زاده متهم است به مشارکت در تشکیل شبکه سازمان یافته اخلاخل در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده ارز و معاملات غیرمجاز ارزهای دولتی»  
کانال مستقل کارگران هفت تپه اعلام کرد که: «در جریان دادگاه امید اسدیگی و رستمی و تنی چند از اختلاس گران و اشغال گران هفت تپه که در راس بخش خصوصی ای هستند که هفت تپه را با همدستی مسئولین دولتی به قیمت هیچ به چنگ آورده و غارت کرده اند نکات جدیدی مشخص شد. فقط در یک پرونده، این افراد با همدستی مقامات دولتی حدود یک "میلیارد و پانصد میلیون دلار" ارز اختلاس کرده و به جیب زده اند و خرج شرکت نکرده اند. این ارز را با اعتبار هفت تپه گرفته و قاچاق کرده و به مصرف شخصی رسانده اند.»

این باند بزرگ سرقت و غارت در سال ۹۴ با همدستی و پشتیبانی سران دولتی، به جای قیمت دستکم "ده هزار میلیارد" تومان شرکتی که فقط ۲۴ هزار هکتار املاک کشاورزی مرغوب و بی مانند در ایران به شما می آمد را به بهای فقط "هشت میلیارد" تومانی که آن هم به طور کامل پرداخت نشد، به مالکیت خود در آورد. با این نیرنگ و سرقت، شرکت نیشکر هفت تپه، به یک هزارم قیمت کارشناسی به باند اسدیگی ها واگذار شد...  
ادامه دارد...

## بخش هایی از بیانیه مشترک پنج نهاد و تشکل کارگری در باره لایحه بودجه ۱۴۰۰ "از کوزه همان برون تراود که در اوست." حکایت بودجه سالانه است"

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نی شکر هفت تپه، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری ایران و اتحاد بازنشستگان در بخش هایی از بیانیه اش از جمله نگاشته اند:

"بودجه سالانه امسال نیز بمانند بودجه های بیش از چهار دهه گذشته همچنان منافع سرمایه داران و حاکمیت را حفظ می کند. ... کارگران، معلمان، پرستاران، سایر مزد بگیران جامعه، بیکاران به همراه خانواده هایشان که دانشجویان و فارغ التحصیلان هم شامل می شود، ابدا هیچ سهمی از این بودجه نمی برند. بودجه ای که هیچ توجهی به جمعیت ۹۹ درصدی جامعه ندارد. میلیون ها بیکاری که همواره بر جمعیت شان افزوده می شود، سهمی در این بودجه ها ندارند و فاقد بیمه بیکاری لازم و مکفی، بدون کمترین حمایت های اجتماعی به حال خود رها شده اند.

اما، تخصیص بودجه به نفع سرمایه داران و موسسات، نهادها، سازمان ها و ارگان های دولتی و حکومتی، انباشت سرمایه آنان را افزایش می دهد، که هیچ تاثیری بر منافع جمعیت ۹۹ درصدی ها ندارد؟! عمده ای از این بودجه مصروف امنیت حفظ دارایی سرمایه داران می شود و یا اینکه جیب افراد در جناح های سیاسی و آقازاده ها را پر می کند. تقسیم بودجه بین خودشان چنان صورت گرفته که گویی سود سهام دارانی است که به صاحبانش تعلق گرفته باشد". .....

### این بیانیه در ادامه بررسی لایحه بودجه خواست های زیر را طرح کرده است:

- \* تامین بودجه برای پرداخت بدهی دولت به صندوق سازمان تامین اجتماعی، باید در اولویت های بودجه امسال قرار گیرد.
- \* فساد مالی و دزدی و اختلاس در ساختار اقتصادی کشور و انواع نهادها و هم راستای آن رواج رشوه و فساد اداری در دستگاه های حاکمیتی و دولتی نیز در کنار سایر عوامل موجب سیه روزی طبقه محروم می باشد.
- \* واکسیناسیون (کرونا) مورد تایید سازمان بهداشت جهانی از ضروریات فوری مردم است. باید هزینه آن در اولویت اول ردیف بودجه قرار گیرد. چنانکه درمان رایگان نیز همیشه از خواسته های عمومی بوده است. لذا هزینه آن باید در بودجه وزارت بهداشت و درمان و دارو لحاظ و افزایش چشمگیر یابد.
- \* تامین هزینه آموزش رایگان از نیازهای پراهمیت جامعه است. بودجه آن باید در اولویت قرار گیرد. بویژه در مناطق محروم که هزینه تامین لوازم مورد نیاز آموزش غیرحضور در شرایط کرونا را ندارند.
- \* پرداخت بیمه بیکاری لازم و کافی برای کلیه بیکاران جامعه بدون قید و شرط و تامین بودجه مورد نیاز، باید اولویت قرار گیرد.
- \* افزایش حقوق و دستمزد کارگران، بازنشستگان، معلمان، پرستاران و دیگر مزد بگیران با نرخ تورم واقعی باید به اندازه ای باشد که تامین کننده هزینه سبد خانوار باشد.

می رود تا به صحنه جدال آترناتیوها  
تبدیل گردد، لازم است یک جنبش سیاسی و فکری نیرومند حول دفاع از آرمان ها و آترناتیو سوسیالیستی را در دستور کار قرار دهند. نخست از بعد تبلیغ جهان بینی سوسیالیستی و دفاع از اعتبار علمی آن به تقویت گفتمان سوسیالیستی در سطح جامعه کمک نماید. دوم از بعد مقابله با لیبرالیسم بورژوازی ایران که یکی از وظایف مهم مارکسیستها در جدال ایدئولوژیک در دوره کنونی است سهم خود را ادا کند. ادای سهم در نقد ریشه ای لیبرالیسم می تواند بزرگترین خدمت فعالین سوسیالیست جنبش دانشجویی در کنار زدن موانع ذهنی پیشروی جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی باشد.

در شرایطی که از یکسو بخش بزرگی از بدنه و پایگاه جنبش دانشجویی را زنان جوان تشکیل می دهد طبیعتا مسایل جنبش زنان از اهمیت بسیار بالایی برای جنبش دانشجویی برخوردار می باشد و لازم است بتانسیل اعتراضی بالایی که قاعدتا حضور جمع کثیری از زنان در دانشگاه ایجاد می کند در خدمت تعمیق و تقویت این جنبش قرار گیرد. از اینرو لازم است که بخش رادیکال جنبش دانشجویی بخشی از نیروی خود را به شکل تخصصی و سیستماتیک به مسایل جنبش زنان اختصاص دهد و به امر تقویت قطب چپ و رادیکال جنبش زنان، به میدان آوردن زنان کارگر و زحمتکش و جهت گیری اتحاد با جنبش کارگری در بین صفوف این جنبش و مقابله با گرایش راست و لیبرال یاری رساند.

نقد بنیادین ناسیونالیسم و شووینیسیم ایرانی و گرایش ناسیونالیستی در میان دانشجویان منتسب به ملیتهای تحت ستم از دیگر وظایف محوری سوسیالیست های جنبش دانشجویی است. نباید اجازه داد رشد این گرایشات به همبستگی و مبارزات سیاسی و دمکراتیک جنبش دانشجویی لطمه بزند. در همین راستا دفاع از جنبش انقلابی کردستان و طرح و تبلیغ پیگیرانه آترناتیو و راه حل سوسیالیستی برای رفع ستم ملی از اهمیت زیادی برخوردار است.